

Developing a model of satisfied remarriage; A qualitative research

Jafar Samari Safa¹, Eghbal Zarei², Samaneh Najarpourian³, Kourush Mohamadi⁴

1. Ph.D student in Counseling, Department of Counseling, Faculty of Human Sciences, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Counseling, Faculty of Humanities, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Counseling, Faculty of Humanities, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran.
4. Assistant Professor, Department of Counseling, Faculty of Humanities, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran.

ABSTRACT

The article is taken from a doctoral dissertation

Received: 09/12/2021 - Accepted: 13/09/2022

Aim: Remarriage is a chance for people who have lost a spouse to re-experience cohabitation. The aim of this study was to provide a local model of satisfied remarriage. **Methods:** This research was conducted qualitatively using the grounded theory approach in 2020. For this purpose, 21 couples living in Tehran who have had more than 3 years of remarriage were purposefully selected and surveyed using semi-structured interviews. Data were collected, recorded and then coded and classified into main categories. **Methods:** This research was conducted qualitatively using the grand theory approach in 1399. For this purpose, 21 couples living in Tehran who have had more than 3 years of remarriage were purposefully selected and surveyed using semi-structured interviews. The data was collected, implemented and then coded in a systematic way. **Findings:** The extracted concepts were classified into 124 open codes and 27 axial coding, which categories are more knowledge and insight in new life, sufficiency in choosing a spouse, logical understanding of remarriage, managing the challenge of accepting a new spouse by a child and vice versa, paying attention to commonalities and differences in marriage criteria, social support, support of family and friends, role of counseling and elders before marriage, quality of communication with spouse and ex-wife's family, effective communication skills, paying attention to spouse's concerns and wishes, appropriate self-disclosure at the time of choosing, trying to be aware, deep understanding of each other before marriage, awareness of the criteria for choosing a spouse, self-awareness, efficient coping strategies for individual, couple and family, among others, were necessary, and finally, the Selective Coding was chosen as "multilevel recognition and support". **Conclusion:** The results of the present study indicated that the creation of a satisfactory remarriage depends on conscious choice and deep understanding of each other, honesty and clarification about the issues of the former life and the current marital relationship, and finally, a two-way effort to create a stable life. Specialists can help families and society by using the categories and concepts derived from this model in increasing the satisfaction and durability of remarriages and preventing divorce and its resulting damages.

Keywords: model, remarriage, grounded theory, satisfying marriage, Iranian culture



ارائه الگوی ازدواج مجدد رضایتمند؛ یک پژوهش کیفی

جعفر ثمری صفا^۱، اقبال زارعی^۲، سمانه نجارپوریان^۳، کوروش محمدی^۴

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره و روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران.
۲. نویسنده مسئول، دکتری روان‌شناسی، دانشیار، گروه مشاوره و روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران. e.zarei@hormozgan.ac.ir
۳. دکتری مشاوره، دانشیار، گروه مشاوره و روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران.
۴. دکتری روان‌شناسی، استادیار گروه مشاوره و روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران.

(صفحات ۴-۶)

چکیده

مقاله برگرفته از رساله دکتری است

هدف: ازدواج مجدد شانس دوباره‌ای است که افرادی که همسرشان را از دست داده اند، جهت تجربه دوباره زندگی مشترک برای خود فراهم می‌نمایند. پژوهش حاضر با هدف ارائه الگوی بومی ازدواج مجدد رضایتمند انجام شد. روش: این پژوهش به روش کیفی و با استفاده از رویکرد نظریه زمینه‌ای در سال ۱۳۹۹ انجام شد. بدین منظور ۲۱ زوج ساکن شهر تهران که بیش از ۳ سال از ازدواج مجدد آنها می‌گذشت به شیوه هدفمند و با استفاده از مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته مورد مصاحبه قرار گرفتند. داده‌ها جمع‌آوری، پیاده‌سازی و سپس به شیوه سیستماتیک کدگذاری شد. یافته‌ها: مفاهیم استخراج شده در ۱۲۴ کد اولیه و ۲۷ کدمحوری طبقه‌بندی شد که مقوله‌های شناخت و بینش بیشتر در زندگی مجدد، کفویت در همسرگزینی، برداشت منطقی در ازدواج مجدد، مدیریت چالش پذیرش همسر جدید توسط فرزند و بالعکس، توجه به اشتراکات و افتراقات معیارهای ازدواج، حمایت اجتماعی، حمایت خانواده و دوستان، نقش مشاوره و بزرگان پیش از ازدواج، کیفیت ارتباط با همسر و خانواده همسر سابق، مهارت ارتباط موثر، توجه به دغدغه و خواسته‌های همسر، خودآشنایی مناسب در زمان انتخاب، تلاش برای آگاهی عمیق از یکدیگر پیش از ازدواج، آگاهی از معیارهای همسرگزینی، خودآگاهی، راهبردهای مقابله‌ای کارآمد فردی، زوجی و خانوادگی از جمله کدخای مجوری بودند و درنهایت هم مقوله مرکزی باعنوان «شناخت و حمایت چندسطحی» انتخاب گردید. نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاضر بیانگر آن بود که ایجاد یک ازدواج مجدد رضایتمند در گرو انتخاب آگاهانه و شناخت عمیق از یکدیگر و صداقت و شفاف‌سازی درمورد موضوعات زندگی سابق و رابطه زوجی فعلی و درنهایت تلاش دوسویه در جهت ایجاد زندگی پایدار است. متخصصان می‌توانند با بهره‌گیری از مقوله‌ها و مفاهیم مستخرج از این الگو در افزایش رضایتمندی و دوام ازدواج‌های مجدد و پیشگیری از طلاق و آسیب‌های ناشی از آن، به خانواده‌ها و جامعه کمک نمایند.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

واژه‌های کلیدی: الگو، ازدواج مجدد، نظریه زمینه‌ای، ازدواج رضایتمند، فرهنگ ایرانی

مقدمه

ازدواج^۱ پیمان مقدسی است که در میان تمام اقوام و ملل در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها وجود داشته است (خشنود، رجبی، سودانی و خجسته مهر، ۱۳۹۸) اما این پیمان ممکن است به دلایلی منجر به شکست شود و یا با فوت یکی از زوج‌ها از هم گسیخته گردد. به دنبال همین شکست‌ها و افزایش روزافزون طلاق در جوامع و دگرگون شدن خانواده‌ها، ازدواج مجدد به عنوان روشی موجه و منطقی معنا و مفهوم پیدا می‌کند و میزان ازدواج مجدد به تبعیت از افزایش میزان طلاق و بیوگی، افزایش خواهد یافت (صادقی، بهرامی و اسماعیلی، ۱۳۹۷). بنابر گفته سویینی^۲ (۲۰۱۰) برخلاف قرون گذشته که ازدواج با مرگ خاتمه می‌یافت، در قرون حاضر بخشی ازدواج‌ها با طلاق به پایان خود می‌رسند. در ایران نیز آمار طلاق در ۲۰ سال گذشته همیشه روند صعودی داشته و بیانگر افزایش پدیده طلاق در سال‌های اخیر بوده است، به طوری که ۱۷۵ هزار و ۶۱۴ رویداد طلاق در سال ۹۷ تا تیرماه ۹۸ ثبت شده است که بالاترین آمار تاریخ ثبت احوال ایران از سال ۱۳۴۳ است که نشان می‌دهد روند صعودی همچنان ادامه دار است. همچنین طبق اعلام سازمان ثبت احوال در سال ۱۳۹۹ پنجاه درصد ازدواج‌ها در استان تهران به طلاق ختم می‌شوند (سازمان ثبت احوال ایران، ۱۳۹۹ و ۱۳۹۸). نکته قابل تأمل اینجاست که بسیاری از این افراد در کشور آمریکا یعنی حدود هفتاد الی هشتاد درصد پس از طلاق، به امید یک ازدواج موفق تر وارد ازدواج دوم می‌شوند (سویینی، ۲۰۱۰).

از طرفی اکثر افرادی که ازدواج مجدد^۳ دارند (تقریباً ۶۵ درصد از این افراد) از رابطه قبلی فرزندان خود را وارد ازدواج جدید می‌کنند (بین^۴، ۲۰۱۹؛ فرانسسکا و هگینبوتام، ۲۰۰۴). این در حالی است که طبق گزارش برخی از پژوهش‌ها در ایالت متحده این

1. marriage
2. Sweeney, M. M
3. remarriage
4. Bean, R. C

ازدواج‌های مجدد زودتر از اولی به جدایی ختم می‌شوند و ازدواج دوم با افزایش میزان طلاق (۶۵٪ تا ۷۰٪) مواجه است (بین، ۲۰۱۹؛ ویشر، ویشر و پاسلی^۱، ۲۰۰۳). به این ترتیب اغلب پیش‌بینی می‌شود که به زودی بیشتر ازدواج‌ها از نوع ازدواج مجدد باشند تا ازدواج اول (برنشتاین^۲، ۲۰۰۰).

ازدواج مجدد، ازدواجی است که در آن زنان و مردان به علت مرگ یا طلاق، همسران خود را از دست داده‌اند و به تنهایی و یا همراه با فرزندان بازممانده از ازدواج قبلی زندگی می‌کنند و قصد دارند که با همدیگر به تشکیل زندگی جدید اقدام نمایند. ازدواج مجدد ضمن آنکه شباهت‌هایی با ازدواج اول دارد ولی تفاوت‌های اساسی، بنیادی و کیفی نیز با آن دارد. این تفاوت‌ها خود را در قالب مفهوم، شکل‌ها، موانع، عوامل موفقیت، وضعیت افراد، مشکلات افراد و غیره نمایان می‌کنند که عدم توجه و عدم آشنایی با آن‌ها ازدواج مجدد را نیز با مشکل مواجه می‌نمایند (استوکس و واملر^۳، ۲۰۰۲). به این ترتیب افزایش میزان طلاق، در بین ازدواج‌های مجدد نیز به پدیده‌ای شایع تبدیل شده است که میزان رضایتمندی و ثبات آن کمتر از ازدواج اول است (یکله، محسن زاده و زهراکار، ۱۳۹۷). از طرفی اخیراً درد دنیا‌گرایی پدید آمده است که بجای تمرکز بر عوامل موثر بر طلاق زوج‌ها، بر روی ازدواج‌هایی که رضایتمندمانده‌اند تمرکز کرده است. این روند باعث به دست آمدن تصویری می‌گردد که می‌تواند در امر ایجاد و ترویج ازدواج‌های پایدار در جامعه سازنده باشد (حاتمی ورزنده، اسمعیلی، فرح بخش و برجعلی، ۱۳۹۵) فرض بنیادی در پژوهش‌هایی که با دیدگاه توانایی محور به مسائل خانواده می‌نگردند، همچون پژوهش‌های مربوط به ازدواج‌های پایدار رضایتمند، این است که احتمالاً همسران دارای ازدواج پایدار رضایتمند دارای ویژگی‌ها و منابعی هستند که آن‌ها را قادر ساخته تا روابطشان را در برابر تعارضات و تنیدگی‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی به خوبی

1. Visher, E. B, Visher, J. S & Pasley, k
2. Bernstein, A. C
3. Stokes, S. B. and Wampler, R. S

حفظ نمایند (کاسلو رایبسون^۱، ۱۹۹۶).

دی و قوش^۲ (۲۰۱۶) معتقدند ازدواج موفق یک رابطه زوجی پویا است که در آن هر یک از همسران به رضایت شخصی دست پیدا می‌کنند. طبق زوج‌درمانی رفتاری تلفیقی، حتی شادترین و سالم‌ترین زوج‌ها هم به مرور زمان ممکن است با مشکلات و اختلافاتی مواجه شوند و این موضوع امری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین، آشفتگی زناشویی به خاطر تفاوت‌ها، اختلافات و تعارض‌های بین زوج‌ها به وجود نمی‌آید بلکه به خاطر واکنش‌های مخرب آن‌ها به این ناسازگاری‌های اجتناب‌ناپذیر ایجاد می‌شود (گورمن^۳، ۲۰۱۲؛ ترجمه امانی، مجذوبی و سپهری فر، ۱۳۹۳). از نظر زوج‌درمانی به شیوهی گاتمن (گاتمن^۴، ۱۹۹۵؛ ترجمه فیروزبخت، ۱۳۹۶) هم یک زندگی زناشویی موفق زمانی پدید می‌آید که زن و شوهرها بتوانند تعارضات اجتناب‌ناپذیر روابطشان را حل کنند. بسیاری از زن و شوهرها تصور می‌کنند خوشبختی یعنی عدم تعارض و تصور می‌کنند جنگ و دعوا نداشتن نشانه‌ی سلامت زندگی زناشویی آن‌ها است. اما از دیدگاه گاتمن، پیشرفت در رابطه زوجی بستگی به آشتی دادن تفاوت‌های بین زن و شوهر دارد (هاشمی گل‌مهر، امان‌الهی، فرهادی، اصلانی و رجبی، ۱۳۹۹).

باتوجه به مواردی که ذکر شد، نهاد ازدواج با چالش‌های زیادی مواجه است که میتوان با بررسی عوامل و راهبردهایی که زوج‌ها دارای ازدواج مجدد پایدار و رضایتمند در برخورد با این چالش‌ها استفاده کرده‌اند و تدوین الگوی مناسب به سایر زوج‌های که قصد ازدواج مجدد دارند کمک نمود. با این حال، بررسی پژوهش‌های ازدواج مجدد در خارج از ایران، نشان می‌دهد که این پژوهش‌ها شامل طیف وسیعی از تحقیقات می‌باشد، اما بیشتر پژوهش‌های انجام شده در این حوزه به مسائل فرزندان و والدین نانتی^۵ و ترکیب

1. Kaslow, F. & Robison, J. A
 2. Day, S., & Ghosh, J
 3. Gurman. A. S
 4. Gottman. J. M
 5. Stepparenting

خانواده‌ها(هوا^۱، ۲۰۲۰؛ آدلر بایدر و هگینبوتهام، ۲۰۰۴) الگوهای خانواده ناتنی(بین، ۲۰۱۹)، رغبت مردان و زنان به ازدواج مجدد(کراولی^۲، ۲۰۱۸)، ارزیابی باورهای افراد در مورد ازدواج مجدد (گارینو، آدلر، بیدر و هیگینبوتام^۳، ۲۰۱۶) مربوط می‌شود. ولی باتوجه به این که مطالعات انجام شده درباره ازدواج و ازدواج مجدد در فرهنگ غربی را نمی‌توان به راحتی به جامعه اسلامی ایران با ارزش‌ها، باورها و عقاید و هنجارهای فرهنگی متفاوت تعمیم داد، به همین دلیل در این پژوهش هم براساس همین اصل و درجهت ارائه الگوی ازدواج مجدد منطبق با شرایط بومی و فرهنگی کشور ایران در دستورکار قرارگرفت. باتوجه به اینکه این موضوع (ازدواج مجدد)، به ندرت مورد توجه محققان بوده و در ایران هم محققان، اغلب به تدوین الگوی ازدواج برای ازدواج‌های اول (اختیاری امیری و همکاران، ۱۳۹۷ و کریمی ثانی، اسمعیلی و فلسفی نژاد، ۱۳۹۴)، الگوی ازدواج پایدار و رضایتمند (حاتمی ورزنده، و همکاران، ۱۳۹۵؛ فتحی، اسمعیلی، فرحبخش و دانش پور، ۱۳۹۴؛ کرابی و خجسته مهر، سودانی واصلانی، ۱۳۹۵)، مدل ازدواج موفق (درخش، اصلانی و کرابی، ۱۳۹۷) شاخص‌های ازدواج موفق (صاحب‌دل و همکاران، ۱۳۹۴)، و شناسایی علل زمینه‌ای، کیفیت زندگی زناشویی پرداخته‌اند و درحوزه ازدواج مجدد فقط چندپژوهش صورت گرفته که هیچ کدام به ارائه الگوی جامع و بومی برای ازدواج مجدد توجه نداشته‌اند. و بیشتر مواردی مثل کیفیت زندگی این زوج‌ها، چالش‌های زندگی آنها را بررسی کرده‌اند. بعنوان نمونه محمدی و محمدی در پژوهشی (۱۳۹۸) به این نتیجه رسیدند که مشارکت‌کنندگان با توجه به تجربه زیسته خود به چهار نوع راهکار برای روبه رو شدن با چالش‌های ازدواج مجدد اشاره کرده‌اند: مدیریت مالی در بحث مشکلات اقتصادی، عدم اعتقاد به باورهای خرافی و به کار بستن باورهای کارآمد اجتماعی در مورد چالش‌های اجتماعی و فرهنگی، پذیرش فرزندان برای روبه رو

1. Hu, Y

2. Crowley, J. E

3. Garneau, C. L., Adler-Baeder, F., & Higginbotham, B

شدن با چالش حضور فرزندان و در نهایت به کار بستن همبسته‌های ازدواج مجدد و رفتار مناسب همسر برای روبه رو شدن با دامنه‌ی متنوع چالش‌های ازدواج مجدد. ویکله و همکاران (۱۳۹۷) در بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت ازدواج مجدد به این نتایج رسیدند که "ناهمخوانی اولویت‌ها" به عنوان مقوله محوری، تعیین کننده کیفیت ازدواج مجدد است و شدت این ناهمخوانی تحت تأثیر عوامل فردی، عوامل بافتی و عوامل مداخله‌گر مربوط به ازدواج قبلی قرار دارد. همچنین راهبردهای بکارگرفته شده در مقابله با تعارض ناشی از ناهمخوانی اولویت‌ها که خود متأثر از عوامل بافتی و مداخله‌گر است، میزان رضایت و کیفیت ازدواج مجدد را رقم می‌زند. و دلیل گو، وحید، مهاجرانی و اسماعیلی (۱۳۹۵) به بررسی تجربه زیسته زوج‌ها از عدم رغبت به ازدواج مجدد پرداخته اند. همچنین می‌توان گفت اغلب پژوهش‌های انجام شده به صورت کمی و بر روی زنان بوده است که نشان از محدودیت در تنوع نمونه است، درحالی که مردانی که به این عمل مبادرت کرده‌اند تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است.

از این رو بافت جامعه ایران و شرایط این قشر می‌تولبد که الگوی بومی ازدواج مجدد رضایتمند و پایدار به صورت جداگانه داشته باشد. لذا، با توجه به مباحث مطرح شده و بررسی‌های صورت گرفته و برای پر کردن خلاءهای پژوهشی، هدف از انجام پژوهش حاضر، تدوین الگوی ایرانی ازدواج مجدد رضایتمند بود.

روش پژوهش

به منظور بررسی تجارب عمیق زوجین ایرانی از روش پژوهش کیفی و با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای انجام شد. نظریه زمینه‌ای یکی از قوی‌ترین روش‌های تحقیق کیفی در خصوص پدیده‌های انسانی بوده به منظور نظریه سازی و نظریه پردازی برای استخراج نظریه از درون داده مورد استفاده قرار می‌گیرد (احتیاری امیری و همکاران، ۱۳۹۷). شرکت‌کنندگان در تحقیق به صورت داوطلبانه از طریق روش نمونه‌گیری

هدفمند^۱ (مبتنی برهدف) انتخاب شدند. میدان پژوهشی حاضر را زوج‌های (مردان و زنان) دارای ازدواج مجدد شهر تهران در سال ۱۳۹۹ تشکیل داده‌اند. ملاک‌های مورد نظر در انتخاب نمونه این پژوهش، شامل موارد زیر بود: ۱- حداقل یکی از زوج‌ها (زن یا شوهر) در ازدواج دوم باشند. ۲- زوج‌ها باید حتماً ملیت ایرانی داشته باشند. ۳- طول مدت ازدواج مجدد این زوج‌ها، بیش از ۳ سال باشد. ۲- سطح رضایتمندی از ازدواج مجدد در آنها براساس پرسشنامه انریچ در حد زیاد و بسیار زیاد باشد و یا در حد نارضایتی شدید و نارضایتی نسبی باشد.

ابزارهای پژوهش

الف) پرسشنامه رضایت زناشویی: از پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ^۲ فرم کوتاه ۴۷ سوالی استفاده گردید. این پرسشنامه شامل ۱۲ مقیاس است که عبارتند از: پاسخ قرارداد، مسایل شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت، روابط جنسی، ازدواج و فرزندان، بستگان و دوستان، نقش‌های مساوات طلبی و جهت‌گیری مذهبی را ارزیابی می‌کند. این پرسشنامه رضایت مندی زناشویی زوجین را به صورت ۵ گزینه‌ای در مقیاس لیکرت (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) می‌سنجد که به هر یک از یک تا پنج امتیاز داده می‌شود. نمره دهی سوالات ۸، ۶، ۴، (۱۱-۱۶)، (۱۸-۲۴)، (۳۰-۳۳)، (۳۷-۴۲)، (۴۵-۴۷) به صورت معکوس است. نمرات بین ۴۷ تا ۸۴ نارضایتی شدید، نمرات بین ۸۵ تا ۱۲۲ نارضایتی نسبی، نمرات ۱۲۳ تا ۱۶۰ رضایت متوسط، نمرات ۱۶۱ تا ۱۹۸ رضایت زیاد، نمرات بین ۱۹۹ تا ۲۳۵ بیانگر رضایت خیلی زیاد است. حداقل نمره در این آزمون ۴۷ و حداکثر ۲۳۵ است. هر چه فرد نمره بیشتری را کسب کند نشانه رضایت زناشویی بیشتر او است. اولسون و اولسون (۱۹۹۷) اعتبار این پرسشنامه را با روش ضریب آلفا ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند.

1. purposeful sampling
2. ENRICH

همچنین در پژوهش کلوری و همکاران (۱۳۹۰) اعتبار این آزمون با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و با روش باز آزمایی (به فاصله یک هفته) برای مردان ۰/۹۳۷ و برای زنان ۰/۹۴۰ به دست آمده است. ضریب همبستگی پرسشنامه انریچ با مولفه‌های رضایت خانوادگی از ۰/۳۲ تا ۰/۴۱ است که بیانگر روایی سازه آن می‌باشد. کلیه خرده مقیاس‌های پرسشنامه زوج‌های راضی و ناراضی را متمایز می‌کند و این نشان می‌دهد که پرسشنامه انریچ از روایی ملاک خوبی برخوردار است (ثنایی، ۱۳۸۷). در این پژوهش نیز برای تعیین پایایی پرسشنامه، از روش آزمون مجدد استفاده شد. به این ترتیب که پرسشنامه دو بار به فاصله دو هفته بین ده نفر از زوج‌های راضی و ناراضی توزیع شد. پس از آن ضرایب آلفای کرونباخ (برای ارزیابی پایایی از بعد انسجام درونی) و کاپا (برای ارزیابی از بعد تکرار پذیری) محاسبه شد که همبستگی بین نتایج دو آزمون ۰/۸۴ به دست آمد.

ب) مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته: بخش اعظم جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته صورت گرفت. پس از غربالگری زوج‌های راضی و ناراضی؛ زوج‌هایی که نمره آنان براساس پرسشنامه انریچ، در حد نارضایتی شدید (نمرات بین ۴۷ تا ۸۴) و نارضایتی نسبی (نمرات بین ۸۵ تا ۱۲۲) یا رضایت زیاد (نمرات ۱۶۱ تا ۱۹۸) و رضایت خیلی زیاد (نمرات بین ۱۹۹ تا ۲۳۵) کسب کرده‌اند، مصاحبه نیمه ساختاریافته صورت گرفت. مصاحبه تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. سعی گردید برای اطمینان بیشتر از اشباع نظری و تکراری بودن مقولات و نبود مقولات جدید، با نفرات بیشتری مصاحبه شود. برای اجرای مصاحبه، با توجه به هدف پژوهش و براساس پیشینه موجود، به تدوین چارچوب اولیه مصاحبه پرداخته شد و سوالات مصاحبه نیمه ساختار یافته در زمینه ازدواج مجدد رضایتمند و پایدار تدوین شد و در جلساتی مورد بحث پژوهشگران و اساتید حوزه مشاوره ازدواج و خانواده قرار گرفت، تا صحت محتوا و کفایت آن‌ها بررسی شود، و در مورد محتوای مصاحبه و سوال‌های آن اجماع نظر حاصل

گردید. در سوالات به لحاظ محتوا یکسان و براساس صحبت های مصاحبه شوندگان اصلاح گردید. خلاصه محورهای سوالات شامل برخی اطلاعات جمعیت شناختی، مانند (سن، طول مدت ازدواج، تعداد فرزندان از ازدواج اول و ازدواج جدید، تحصیلات، محل زندگی، شغل) مشکلات زوج ها در هنگام انتخاب همسر جدید، چه اطلاعاتی افراد از نظر شغلی، فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی باید به همسر جدیدش بدهد و چه اطلاعاتی باید از همسر آینده اش بگیرد، توانمندی ها و مهارت های زوج ها برای مقابله با مشکلات، تأثیر ازدواج اول شان بر انتخاب همسر و جنبه های زندگی جدید، جنبه های مثبت و منفی همسری که قبلاً ازدواج داشته است، چگونگی تعاملات بین فردی، خانوادگی و اجتماعی زوج ها در ازدواج مجدد، اوقات فراغت، ویژگی های موثر همسران، ارتباط با خانواده اصلی و همسر قبلی و خانواده او و فرزندان ازدواج اول بود. قابل ذکر است ابتدا مصاحبه آزمایشی صورت گرفت و براساس آن سئوالات مصاحبه بازنگاری و اصلاح و ابهامات آن برطرف شد. مدت زمان مصاحبه با زوج های راضی و ناراضی حدود ۹۰ دقیقه به طول انجامید. جهت دسترسی آسان شرکت کنندگان به مکان اجرای مصاحبه و نداشتن دغدغه در این زمینه، با هماهنگی مدیریت مرکز مشاوره فرح بخش اتاق مشاوره واقع در تهران به عنوان محل اجرای مصاحبه در نظر گرفته شد.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

برای تجزیه و تحلیل داده های به دست آمده در مصاحبه ها از روش نظریه زمینه ای استفاده شد. در ابتدا، به منظور از دست ندادن نکات مهم در مصاحبه ها و ثبت شرح کامل، ضمن اعلام محرمانه بودن مصاحبه ها در جهت رعایت اخلاق پژوهش، با اجازه شرکت کنندگان ضبط شد. فایل های صوتی با پایان هر مصاحبه، پیاده سازی شد و به صورت متن درآمد. با استفاده از ابزار دستی داده ها کدگذاری و تحلیل شدند. در حقیقت، سعی شد فرایند گردآوری داده ها و تحلیل به صورت هم زمان انجام گیرد تا هنگام رفت و برگشت به میدان تحقیق نکات از دست گرفته کمتری وجود داشته باشد.

در عین حال اشکالات مصاحبه‌ها نیز کمتر شد. این روند تا اشباع نظری و اطمینان از نبود کدهای مصاحبه‌های جدید و تکراری ادامه پیدا کرد. با استفاده از روش زمینه‌ای کدگذاری در سه مرحله؛ کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام شد. بدین منظور همزمان با گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌ها را پیاده‌سازی و به صورت متن درآوردیم؛ متن مصاحبه‌ها چندین بار خوانده شد و خط به خط داده‌ها را مورد بررسی قرار دادیم و جملات اصلی آن استخراج و به بخش‌های مجزا خرد کردیم و به صورت کدهایی ثبت و کدهای مشابه را به صورت مشخص نام‌گذاری و در دسته‌هایی قرار دادیم و مفاهیم ایجاد شدند. سپس در کدگذاری محوری دسته‌های اولیه‌ای که در کدگذاری باز تشکیل داده بودیم با هم مقایسه و آنهایی که با هم شباهت داشتند حول محور مشترکی قرار دادیم. با استفاده از سلسله رویه‌هایی اطلاعات با یکدیگر ربط داده شدند. این کار با استفاده از مدل سرمشق که متضمن محتوا و راهبردهای کنش / کنش متقابل و پیامدها بود، صورت گرفت. در نهایت مفاهیم به دست آمده از کدگذاری باز را به مقوله‌های اصلی تبدیل کردیم. و در مرحله آخر مقوله‌های به دست آمده از کدگذاری محوری را یکپارچه کردیم. یعنی طبقات را به طبقه مرکزی مرتبط کردیم و نظریه را شکل دادیم. در نهایت طراحی الگو به صورت شکل انجام شد.

جهت اعتمادپذیری^۱ یافته‌ها از سه فن مرسوم زیر استفاده شد: ۱- اعتباریابی توسط مشارکت کنندگان: از شرکت‌کنندگان در پژوهش خواسته شد یافته‌های کلی را ارزیابی کرده و درباره صحت آن نظر دهند. ۲- مقایسه‌های تحلیلی: در این روش به داده‌های خام رجوع شد تا ساخت بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی شود. ۳- بازبینی توسط همکار پژوهش: متن مصاحبه جهت کدگذاری به همکاران پژوهشگر داده شد و ضریب توافق بالای ۸۵ درصد به دست آمد. و برای اعتباریابی الگو از پانل متخصصین استفاده شد. به این صورت ابتدا روایی صوری الگوی پیشنهادی از حیث تناسب

1. truthworthines

وانسجام مولفه‌ها، ادراک‌پذیری الگو، ابهام عبارات یا وجود نارسایی در معانی کلمات با نظرات اساتید مورد بررسی قرار گرفت و اصلاح شد. سپس پیش‌نویس اولیه طبقه‌بندی مولفه‌ها و مقولات به منظور بررسی کفایت و نوع سازماندهی فرآیندها به اساتید رشته مشاوره در حوزه ازدواج و خانواده ارائه شد و بعد از انجام اصلاحات مورد نظر آنها، پیش‌نویس نهایی در اختیار خبرگان مشاوره و روان‌شناسی قرار گرفت. بعد از اعمال نکات اصلاحی مورد نظر آنها، طبقه‌بندی مولفه‌ها و مقوله‌های به دست آمده مورد تایید قرار گرفت.

یافته‌ها

جدول شماره ۱. اطلاعات جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان

مدت ازدواج مجدد	فرزند از ازدواج اول	علت ترک ازدواج قبلی مرد	علت ترک ازدواج قبلی	شغل مرد	شغل	سن مرد	سن زن	شرکت‌کننده
۵	حضور دارد	طلاق	ازدواج نکرده	کارمند	خانه دار	۳۵	۳۰	۱
۳	حضور دارد	طلاق	طلاق	کارگر	خانه دار	۴۳	۴۱	۲
۷	حضور ندارد	طلاق	اعتیاد همسر	تاسیساتی	خانه دار	۴۲	۳۸	۳
۲۰	حضور دارد	طلاق	شهادت همسر	فروشنده	خانه دار	۶۰	۵۸	۴
۳	حضور دارد	طلاق	فوت همسر	کارگر	خانه دار	۴۴	۳۸	۵
۵	حضور دارد	فوت همسر	فوت همسر	کارمند	خانه دار	۴۳	۴۵	۶
۱۴	حضور دارد	طلاق	فوت همسر	کارگر	خیاط	۴۸	۴۴	۷
۴	حضور دارد	طلاق	طلاق	کارمند	کارمند	۳۷	۳۸	۸
۴	حضور دارد	طلاق	طلاق	کارمند	آزاد	۳۳	۳۴	۹
۳	حضور ندارد	طلاق	ازدواج نکرده	کارمند	کارمند	۳۶	۳۳	۱۰
۹	حضور دارد	طلاق	طلاق	کارگر	خانه دار	۴۴	۴۳	۱۱
۳	حضور ندارد	طلاق	طلاق	آزاد	خانه دار	۳۸	۳۵	۱۲
۳	حضور دارد	طلاق	اعتیاد همسر	آزاد	خانه دار	۳۶	۳۲	۱۳
۳۰	حضور دارد	طلاق	فوت همسر	کارگر	خانه دار	۵۸	۵۵	۱۴
۵	حضور دارد	فوت همسر	فوت همسر	آزاد	خانه دار	۵۲	۴۱	۱۵
۴	حضور دارد	اعتیاد خودش	ازدواج نکرده	کارگر	خانه دار	۴۰	۳۵	۱۶

شرکت‌کننده	سن زن	سن مرد	شغل	شغل مرد	علت ترک ازدواج قبلی	علت ترک ازدواج قبلی مرد	فرزند از ازدواج اول	مدت ازدواج مجدد
۱۷	۳۲	۳۶	کارمند	کارمند	ازدواج نکرده	طلاق	حضور دارد	۳
۱۸	۳۲	۳۵	خانه دار	کارمند	طلاق	طلاق	حضور ندارد	۳
۱۹	۵۰	۵۳	کارمند	نظامی	فوت همسر	طلاق	حضور دارد	۳
۲۰	۳۷	۳۶	خانه دار	آزاد	طلاق	طلاق	حضور دارد	۷
۲۱	۳۵	۳۹	خانه دار	کارمند	طلاق/خیانت	فوت همسر	حضور دارد	۴

در پایان فرآیند کدگذاری باز و محوری، مفاهیم و مقوله‌ها استخراج شدند. کدگذاری باز ۱۲۴ کد اولیه و با کدگذاری محوری، ۲۷ مقوله عمده به دست آمد. که در جدول شماره ۲ این کدگذاری‌ها و مقوله ذکرشده و در ادامه گزاره‌های مربوطه گزارش شده است.

جدول شماره ۲. مفاهیم و مقولات به دست آمده از مصاحبه با زوج‌های دارای ازدواج رضایتمند

انتخابی	محوری	باز
شناخت و حمایت	شناخت و بینش بیشتر در زندگی مجدد	تغییر آشکار در سبک زندگی جدید، تأثیر مثبت تجربیات اولیه در زندگی جدید، قاب‌گیری مجدد نسبت به زندگی
چند سطحی	کفویت در همسرگزینی برداشت منطقی در ازدواج مجدد	تشابه در اولویت‌ها، همخوانی افکار انتظارات واقع بینانه، عدم آرمانی سازی معیارهای ازدواج
	مدیریت چالش پذیرش همسر جدید توسط فرزند و بالعکس	چالش در پذیرش والد جدید، پذیرش فرزند، شرط ازدواج، سازگاری فرزندان پس از طلاق، دشواری در پذیرش والد ناتنی توسط فرزندان، رضایت اولیه فرزند،
	توجه به اشتراکات و افتراقات معیارهای ازدواج	اولویت اخلاق محوری بر تحصیلات، توجه به ویژگی‌های فردی و شخصیتی، توجه به مسائل فرهنگی و اجتماعی، ادراک متقابل والد شدن، توجه به تشابه گذشته، تعلقات قومی، کاهش اختلافات بخاطر نزدیکی جغرافیایی، اشتراک در طبقه اقتصادی
	حمایت اجتماعی	درک اجتماعی، برخورد مناسب با نگاه‌های منفی جامعه
	حمایت خانواده و دوستان	حمایت روحی - روانی خانواده‌ها، توجه به فردیت و عدم تحمیل

انتخابی	محوری	باز
		عقاید، تمایز یافتگی حمایت فرزندان در تصمیم به ازدواج مجدد، بسترسازی مناسب خانواده برای ازدواج مجدد، حمایت در قالب همسویی فکری، اصرار و پیگیری خانواده برای ازدواج کردن مجدد، همبستگی خانواده، حمایت دوستان، حمایت مالی توسط خانواده
	نقش مشاوره و بزرگان پیش از ازدواج	توجه به تفاوت‌های فردی مراجعین، اهمیت دادن به نظر بزرگان، مشورت با افراد با تجربه، اعتقاد به استفاده از خدمات مشاوره ای
	کیفیت ارتباط با همسر و خانواده همسر سابق	عدم ارتباط با همسر سابق، مخالفت همسر با ارتباط همسر با خانواده همسر سابق، ارتباط با خانواده همسر سابق
	مهارت ارتباط موثر	برقراری گفتگوی سازنده، گفتگو مناسب و به دور از منیت، شنوا بودن برای حرف‌های همسر
	توجه به دغدغه و خواسته‌های همسر	بیان نگرانی‌ها به یکدیگر، توافق بر سر مسایل آینده
	خودآشنایی مناسب در زمان انتخاب	بیان علت جدایی به همسر جدید، بررسی انتظارات طرفین از ازدواج و همسرش، صداقت و شفافیت در بیان مسائل مربوط به زندگی گذشته
	تلاش برای آگاهی عمیق از یکدیگر پیش از ازدواج	برقراری رابطه اصولی برای آشنایی پیش از ازدواج، اختصاص زمان مناسب برای آشنایی، انجام درست تحقیقات آشنایی، ارزیابی حرکات رفتاری طرف مقابل، ارزیابی وضعیت اقتصادی همسر، اجتناب از طرح مسائل غیرضرور مربوط به زندگی گذشته، بیان حساسیت‌ها و خط قرمزها، گزینش اخلاقی در زمان انتخاب
	آگاهی از معیارهای همسرگزینی	اطلاع داشتن از اصول مهم زندگی، جذابیت ظاهری، محدود ندانستن خود در زمان انتخاب همسر مجدد، توجه به حساسیت‌های خود در انتخاب همسر، توجه به حساسیت‌های طرف مقابل، توجه به نقاط مثبت و منفی طرف مقابل، اولویت نبودن مسایل مالی، اهمیت دادن به رزق حلال
	خودآگاهی	توجه به خود واقعی، توجه به توانایی‌های خود، توجه به نقشه راه آینده
	راهبردهای مقابله‌ای کارآمد فردی	اجتناب از باورهای کلیشه‌ای، آگاهی از شیوه حل مساله، حفظ آرامش و کنترل خشم، برخورداری از صبر و بردباری، توکل به خدا در مشکلات، مثبت نگری، تمرکز بر زندگی خود، عبرت از گذشته،

انتخابی	محوری	باز
		مهارت کنکاش نکردن در زندگی گذشته، بررسی علت طلاق از منظر همسر فرد مقابل، تمام کردن زندگی قبلی، استفاده از کتاب‌ها و فیلم‌های مشاوره‌ای
راهبردهای کارآمد زوجی		گرایش به مدیریت رابطه، ابراز همدردی با همسر، توجه به فردیت طرف مقابل، مواجهه منطقی با مسائل، همفکری و مشورت با همسر، عدم برخورد هیجانی در زمان مشکلات، درک متقابل، توافق و تفاهم بر سر مسائل، درک کردن شرایط موجود، عدم مقایسه زندگی جدید با قدیم، مهرورزی و ابراز علاقه مناسب، توجه به ارزش‌ها، نیازها و سلیقه همسر، اختصاص وقت برای همدیگر، آگاهی از حقوق فردی، داشتن اوقات فراغت و تفریح مشترک، حفظ تعادل رفتاری، تلاش برای حفظ رابطه در حالت ایده آل، متعهد بودن، پذیرش نقاط ضعف و قوت همدیگر، عدم پنهان کاری، توافق بر سر ارتباط با فرزند ناتنی
راهبردهای کارآمد خانوادگی		ایجاد حد و مرزها با خانواده‌های مبدا، حل مشکلات بدون مثلث سازی، تقسیم وظایف کارهای منزل، تقسیم وظایف برحسب جنسیت
رضایتمندی از زندگی		رضایت از زندگی و تلاش برای ایجاد زندگی بهتر برای همسر، رضایت از زندگی خانوادگی
ارتباط زوجی توأم با تعهد و احترام		مدیریت زوجی مشکلات در ازدواج مجدد، زندگی عاشقانه با وجود مشکلات، همفکری و مشورت با همسر، ارتباط خوب با خانواده همسر، رفاقت و درک همسر، گفتگو در مورد مسائل، همراه و والد خوب، احساس والد واقعی برای فرزندان ناتنی
فرزندپروری مناسب		

شرایط زمینه‌ای:

شناخت و بینش بیشتر در زندگی مجدد:

تغییر آشکار در سبک زندگی جدید: مشارکت‌کننده شماره ۵: من که ازدواج کردم کلاً زندگیم زیر و رو شد با اخلاق‌هایی که شوهرم داشت.

تاثیر مثبت تجربیات اولیه در زندگی جدید: مشارکت‌کننده شماره ۱۵: ازدواج اول

باعث شد سخت تر و صبور تر باشم و نسبت به همسرم گذشت داشته باشم
قاب‌گیری مجدد نسبت به زندگی: مشارکت‌کننده شماره ۱۰: ازدواج دوم من باعث
شده که من انرژی و انگیزه بیشتری برای کسب علم و درآمد و چیزهایی که برای یک فرد
مجرد زیاد مهم نیستند به دست آوردم و شادتر و امید بیشتر به زندگی نگاه کنم.

کفویت در همسرگزینی

تشابه در اولویت‌ها: مشارکت‌کننده شماره ۲: در همسر اولم هیچ نوع تشابهی
نمیدیدم. شاید ۱۰ درصدم با او تشابه نداشتیم ولی با همسر دوم بیش از ۷۰ درصد تناسب
می‌بینم و همین واقعا بسیار زندگی را تحت تاثیر قرار داده
همخوانی افکار: مشارکت‌کننده شماره ۲۰: من و همسرم طرز فکر مشترک داریم
برداشت منطقی در ازدواج مجدد:

انتظارات واقع بینانه: مشارکت‌کننده شماره ۱۲: چون یک تجربه تلخ داشتم و با
گذشت زمان و بالا رفتن سنم باعث شده که انتظارات معقولانه تری نسبت به همسر
داشته باشم و توقعاتم خیلی کمتر شده.

عدم آرمانی سازی معیارهای ازدواج: مشارکت‌کننده شماره ۱۲: ولی لزوماً همیشه گفت
که هر کسی که تحصیل کرده است فهم و شعور و فرهنگ بالاتری داره، باید ببینید طرفتون
چطور شخصیتی داره و در چه خانواده‌ای بزرگ شده و... و بنظر من اینها خیلی مهمتر
هستند.

توجه به اشتراکات و افتراقات معیارهای ازدواج:

اولویت اخلاق محوری بر تحصیلات: مشارکت‌کننده شماره ۴: نه من سطح
تحصیلاتش برام مهم نبود بیشتر اخلاق و شخصیتش برام مهم بود.

توجه به ویژگی‌های فردی و شخصیتی: مشارکت‌کننده شماره ۸: البته اون چون ادم به
شدت برونگرایی بودو دوست داشت کلامی به او محبت کنم و من هم درونگرم و اصلا
نمیتوانم محبتم را در کلامم ابراز کنم باعث دور شدنمان از هم شد و همین هم باعث

کشیده شدن او به سمت مردهای دیگه شد.

توجه به مسائل فرهنگی و اجتماعی: مشارکت‌کننده شماره ۸: فاصله طبقاتی خیلی مهم است و ما چون زیاد فاصله طبقاتی نداشتیم به مشکل کمتری خوردیم خداروشکر فرهنگ هایمان به هم نزدیک بود و از لحاظ خانواده‌ها به مشکل نخوردیم. مشارکت‌کننده شماره ۳: خداروشکر خیلی اختلاف طبقاتی نداشتیم موقع ازدواج به مشکلی برنخوردیم.

ادراک متقابل والدشدن: مشارکت‌کننده شماره ۴: چقدر خوبه که خانمی که بچه داره با آقای مجرد ازدواج نکنه و آقایی هم که بچه داره با خانم مجرد ازدواج نکنه و با کسانی ازدواج بکنند که هردو طرف هم طعم پدر بودن رو چشیده باشند و هم طعم مادر بودن رو. اونجا بعد میتونند بچه‌های همدیگه رو درک بکنند.

توجه به تشابه گذشته: مشارکت‌کننده شماره ۱۲: خواستگاران برایم مشهود بود که تجربه زندگی قبلی را داشتند و سراغ من می‌آیند. من این را بیشتر می‌پسندم تا کسی که تجربه‌ای در زندگی نداشته باشد.

تعلقات قومی و جغرافیایی: مشارکت‌کننده شماره ۱۷: به لحاظ فرهنگی خیلی بهم نزدیکیم به دلیل نسبت فامیلی و اینکه توی یه محل زندگی می‌کردیم و این خیلی از اختلاف‌مون رو کم کرده.

اشتراک در طبقه اقتصادی: مشارکت‌کننده شماره ۲۰: طبقات اجتماعی‌مان آن چنان متفاوت نیست به نوعی هم طبقه هستیم.

مدیریت چالش پذیرش همسر جدید توسط فرزند و بالعکس:

چالش در پذیرش والد جدید: مشارکت‌کننده شماره ۱۹: بچه‌هایی که یک مادری داشتند و الان می‌خواهند مادر جدید را بپذیرند و همچنین بچه‌هایی که یک مادر مستقل قدرتمندی داشتند و الان باید یکسری راهنمایی از یک آقا بشنوند و خوب اینا چالش‌های بزرگی هست که من تو زندگی باهاشون روبرو هستم.

پذیرش فرزند، شرط ازدواج: مشارکت‌کننده شماره ۵: اون آقا آمدند خواستگاری من، شرط من این بود که یک پسر دارم و او را هم با خودم می‌خواهم بیاورم. اگر پسر مرا قبول میکنید من با شما حرف می‌زنم.

دشواری در پذیرش والد ناتنی توسط فرزندان: مشارکت‌کننده شماره ۱۵: کار بسیار سختی بود بچه‌ها خیلی سخت کنار او آمدن با همسر جدیدم. چون با روش دیگری بزرگ شده بودند و خیلی طول کشید تا با هم رفیق بشن ولی نمی‌توانستن کسی به جای پدر یا مادرشان ببینند.

رضایت اولیه فرزند: مشارکت‌کننده شماره ۵: فرزندم از ازدواج رضایت داشت چون او هم فکر می‌کرد یک پدری می‌اد بالای سرش چون پدر ندیده بود و پدر نداشت.

سازگاری فرزندان پس از طلاق: خانم مشارکت‌کننده شماره ۸: دختر هم به خاطر طلاق من از مادرش پرخاشگر شده بود و رفتارهایش بهانه مادرش را می‌گرفت با همین پرخاشگری‌ها اوایل زندگی خیلی سخت بود اما چون الان بزرگ تر شدن بهتر شده و بچه‌ها با هم انس گرفتند.

سازگاری فرزندان ناتنی با هم: خانم مشارکت‌کننده شماره ۱۹: بین یکی از بچه‌های این آقا مشخص شد که هماهنگی بین این فرزند با فرزندان من و همچنین خودم برقرار همیشه ولی بین فرزند کوچک‌ترین آقا با من و فرزندانم هماهنگی برقرار نمی‌شد در نهایت با کمک مشاور درست شد.

شرایط مداخله گر:

حمایت خانواده و دوستان:

حمایت روحی - روانی خانواده‌ها: مشارکت‌کننده شماره ۲۰: حمایت‌هایی در ابعاد مختلف در مباحث مربوط به فضای روحی - روانی و فضاهای دیگر انجام دادند.

توجه به فردیت و عدم تحمیل عقاید: مشارکت‌کننده شماره ۲: این سالها خانواده کنار من بودند و هر موردی پیش آمد هیچ نوع عقاید تحمیل نکردند

بسترسازی مناسب خانواده برای ازدواج مجدد: مشارکت‌کننده شماره ۲: در ازدواج دومم بستر لازم را خانواده ام فراهم کردند تا با شناخت بهتری جلو روم. **تمایز یافتگی:** مشارکت‌کننده شماره ۱۶: خانواده‌ها خیلی کمک کردن نگران بودم و سعی می‌کردند مثل قبل دخالت‌های بیجا انجام دهند و من را با واقعیت روبرو می‌کرد. **حمایت فرزندان در تصمیم به ازدواج مجدد:** مشارکت‌کننده شماره ۴: به خاطر صحبت‌های پسر و تشویق‌های پسر، من دوباره ازدواجم رو انجام دادم و الحمدلله به لطف خدا ازدواج موفق‌ی هم بود.

توجه به فردیت حمایت در قالب همسویی فکری: مشارکت‌کننده شماره ۶: خانواده من و همسر خیلی در این مورد موثر بودند هم ما را تشویق به ازدواج مجدد کردند و هم در کنار تشویق کردند در کنار ما قرار داشتند و دخالتی به شکل مستقیم نداشتند.

همبستگی خانواده: آقای مشارکت‌کننده شماره ۱۷: چون همسر اولم مشکلات زیادی رو برای من ایجاد کرده بود و در شرایط مطلوبی قرار نداشتم و مادرم میخواست که با ازدواج مجدد به آرامش برسم و دوباره به زندگی برگردم.

اصرار و پیگیری خانواده برای ازدواج مجدد: مشارکت‌کننده شماره ۱۳: باید بگم که اصرار خانواده من سبب شد که مجدداً ازدواج کنم، من دلم نمی‌خواست ازدواج کنم. مادرم خیلی اصرار می‌کرد و میگفتن اگر این آقا رو پسندیدی و فرد مورد نظرت هست قبول کن، من فرزندت رو بزرگ می‌کنم

حمایت دوستان: مشارکت‌کننده شماره ۶: چون دوستان و یاران خوبی داشتم به من پیشنهاد کردند که گزینه مقایسه را حذف کن چون به ضرر تو است

حمایت مالی توسط خانواده: مشارکت‌کننده شماره ۲۰: در بعضی زمینه‌های مربوط به پشتیبانی فضای اقتصادی این کار را برای من انجام دادند.

حمایت اجتماعی:

درک اجتماعی: مشارکت‌کننده شماره ۲۰: کسانی که نگاه درستی در این زمینه دارند

میتوانستند که مرا درک کنند و در این فضا همراه من شوند.

برخورد مناسب با نگاه‌های منفی جامعه: مشارکت‌کننده خانم شماره ۲۰: من با برچسب گذاری‌ها و نگاه‌های از پیش تعیین شده‌ای که در فضای جامعه ما وجود دارد نسبت فردی که یکبار ازدواج کرده و ازدواجش ناموفق بوده برخورد کردم.

ارتباط با همسر و خانواده همسر سابق:

عدم ارتباط با همسر سابق: مشارکت‌کننده شماره ۳: من هیچ‌گونه ارتباطی با همسر اول ندارم و زندگی آرامی دارم

ارتباط با خانواده همسر سابق: مشارکت‌کننده شماره ۸: هرچند وقت یکبار هم پیش خانواده همسر سابقش می‌رود و حتی پیش خواهر شوهرش که در یک شهر دیگر است میماند.

نقش بزرگان و مشاوره پیش از ازدواج

توجه به تفاوت‌های فردی مراجعین: مشارکت‌کننده شماره ۶: من در مشاوره پیش از ازدواج متوجه شدم که نمی‌توان یک نسخه را برای همه نوشت

اهمیت دادن به نظر بزرگان: خانم مشارکت‌کننده شماره ۳: حتماً به نظرات بزرگترا و خانوادمون اهمیت بدیم. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مشورت با افراد با تجربه: مشارکت‌کننده شماره ۶: بنظرم باید با افرادی که تجربه دارند مشورت می‌کردیم.

اعتقاد به استفاده از خدمات مشاوره‌ای: مشارکت‌کننده شماره ۱۳: ما فهمیدیم که اگر اطلاع کافی درمورد هم داشته باشیم، وبا مشاور در ارتباط باشیم، کم‌تر به شکست

برخواهیم خورد

شرایط علی

مهارت ارتباط موثر:

برقراری گفتگوی سازنده: مشارکت‌کننده شماره ۲۰: اگر مشکلی پیش می‌آید به درستی شنیده می‌شود. برای شنیده‌ها ارزش قائل شدیم و بی‌اهمیت به گفت و شنودها نشدیم. گفتگو مناسب و به دور از منیت: مشارکت‌کننده شماره ۶: بزرگ‌ترین راهکار صحبت با یکدیگر است به شرط اینکه افراد به دور از غرور و منیت باشند.

شناختن حرف‌های همسر: مشارکت‌کننده شماره ۱۷: فکر می‌کنم مهم‌ترین مهارتی که تونست به من کمک کنه مهارت خوب گوش کردن بود. توجه به دغدغه و خواسته‌های همسر:

بیان نگرانی‌ها به یکدیگر: مشارکت‌کننده شماره ۲: نگرانی‌ها را که گفتم ایشان خیال من را راحت کردند و متقابلاً من نیز او را خاطر جمع کردم که الان ورود به زندگی کردیم. توافق بر سر مسایل آینده: مشارکت‌کننده شماره ۱۹: من فکر می‌کنم باید توافق و تفاهم اتفاق افتاده باشه. ما طبق جدول جلو رفتیم و به این صورت بود که به توافق رسیدیم که من یکسری خدماتی را به ایشان میدم در گرو خدماتی باشه که از ایشان طلب دارم یعنی ما تو اون جدول گذشت‌هایی رو داشتیم.

مهارت ارتباطی با خانواده‌ها:

ارتباط خوب با خانواده همسر: مشارکت‌کننده شماره ۸: رابطه من با خانواده همسر خوب است و رفت و آمد منظمی داریم.

استفاده از تجربیات آموزنده خانواده مبدأ: مشارکت‌کننده شماره ۱۹: مادرم خیلی به من کمک میکنه و من از تجربیاتش استفاده می‌کنم.

خودآشنایی مناسب در زمان انتخاب:

بیان علت جدایی به همسر جدید: مشارکت‌کننده شماره ۱۵: بنظرم تمام اخلاقیات باید بیان کند و حتی دلیل طلاق قبلی را بگویند و بگویند که چه ضعف‌هایی در ازدواج

قبلی داشتند.

بررسی انتظارات طرفین از ازدواج و همسرش: مشارکت‌کننده شماره ۲: من از طرف مقابلم انتظار داشتم که نسبت به آسیبی که در زندگی گذشته دیده‌ام توجه کند.

صداقت و شفافیت در بیان مسائل مربوط به زندگی گذشته:

مشارکت‌کننده شماره ۱۶: به نظر من صفر تا صد ویژگی خودش را آدم باید برای هم دیگر بگوید که هیچ موضوعی کتمان نماند، که بعداً باعث دلخوری شود. من از اول همه چیز را برای همسر دومم تعریف کردم، چون با دروغ و پنهان کاری نمی‌شود زندگی را آغاز کرد.

تلاش برای آگاهی عمیق از یکدیگر پیش از ازدواج:

برقراری رابطه اصولی برای آشنایی پیش از ازدواج: مشارکت‌کننده شماره ۲۰: در ازدواج مجدد رابطه طولانی را با همدیگر طی کردیم. البته رابطه‌ای که روی قاعده و ضوابط بود اما به جهت اینکه این آشنایی کامل شکل بگیرد.

اختصاص زمان مناسب برای آشنایی: مشارکت‌کننده شماره ۳: وقت کافی برای شناخت طرفین داشته باشیم، در مورد تمام مسائل حتی جزئی‌ترین آنها صحبت کنیم به نظرم ازدواج موفق داریم.

انجام درست تحقیقات آشنایی: مشارکت‌کننده شماره ۳: تحقیقات بطور اصولی انجام شد. با تحقیق بیشتر و آشنایی اولیه و محرمیت مشکلاتمون حل شد.

ارزیابی حرکات رفتاری طرف مقابل: مشارکت‌کننده شماره ۲۰: در ازدواج مجدد لازم است که خیلی جزئی در رابطه با خصوصیات رفتاری همدیگر آشنایی پیدا بکنم.

ارزیابی وضعیت اقتصادی همسر: مشارکت‌کننده شماره ۵: حتماً آدم باید وضع مالی مردش را بسنجد و خیالش راحت باشد که وقتی ازدواج میکند میتواند به شوهرش اتکا کند.

اجتناب از طرح مسائل غیرضرور مربوط به زندگی گذشته: مشارکت‌کننده شماره ۲۰:

لازم نیست از اتفاقات تلخ و آن چیزهایی که شاید اصلاً آن نوع رفتار هم در وجود شما وجود ندارد لازم نیست که اصلاً در رابطه با آنها خیلی صحبت بکنید.

بیان حساسیت‌ها و خط قرمزها: مشارکت‌کننده شماره ۲: طرفین مقابل چون بناست کنار هم زندگی کنند حساسیت‌ها و خط قرمزهایشان را در هر حوزه‌ای باید بیان کنند.
گزینش اخلاقی در زمان انتخاب: مشارکت‌کننده شماره ۶: ملاک اصلی من مشترکات فرهنگی و خانوادگی بود که در طی رفت و آمدهایی که داشتیم به سلامت اخلاق همسر من پی بردم که ایشان انحراف اخلاقی نداشته باشد و ایشان را گزینش اخلاقی کردم.
آگاهی از معیارهای همسرگزینی:

اطلاع داشتن از اصول مهم زندگی: مشارکت‌کننده شماره ۲: و اطلاع نداشتن از خیلی از مواردی (اصولی که زندگی را به پیش می‌برند) که من بایستی روی آنها حساس می‌شدم، بیشترین مشکل من بود.

جذابیت ظاهری: مشارکت‌کننده شماره ۸: من خیلی روی ظواهر اهمیت قائل می‌شدم مثل قیافه، درآمد و داشته‌ها
محدود ندانستن خود در زمان انتخاب همسر مجدد: مشارکت‌کننده شماره ۱۲: کسانی که چنین اتفاقی برایشان افتاده یعنی الان ازدواج دومشان است اگر چه احساس می‌کنند که نکات و تفاوت‌هایی برای آنها وجود دارد اما انتخاب‌های خودشان را محدود نکنند.
توجه به حساسیت‌های خود در انتخاب همسر: مشارکت‌کننده شماره ۸: الان حس می‌کنم آن بررسی کردن‌ها، حساسیت به خرج دادن‌ها الان ثمرش این است که من در زندگی جدیدم کسی را پیدا کردم که با او همسو هستم و از این جهت تا حدودی به موفقیت دست پیدا کردم.

توجه به حساسیت‌های طرف مقابل: مشارکت‌کننده شماره ۶: برای ازدواج دوم آن پختگی که در من اتفاق افتاد به این سمت سوق داد که اگر اصول اولیه که اعتقادات و اخلاقیات و خط قرمز هستند، برای افراد حل شوند. مسائلی که در حاشیه هست قابل

حل هستند.

توجه به نقاط مثبت و منفی طرف مقابل: مشارکت کننده شماره ۲: کاملاً چشمشان را روی تمام نقاط قوت و ضعف طرف مقابل باز کنند و بعد انتخاب کنند.

اولویت نبودن مسائل مالی: مشارکت کننده شماره ۴: خدا روشکر راجب مسائل مالی دچار مشکل خاصی نشدیم و از اول باهم تفاهم داشتیم چون من خیلی مسائل مالی برام مهم نبود در زندگی مشترک.

اهمیت دادن به رزق حلال: مشارکت کننده شماره ۳: چه شغلی هم داشته باشه همسرم برام مهم نبود فقط اونقدر که شاغل باشه دستش تو جیب خودش بره و نون حلال بیاره کافی بود.

خودآگاهی

توجه به توانایی های خود: مشارکت کننده شماره ۶: هر دو طرف به توانایی های فردی، جسمی، روحی، فرهنگی و اجتماعی خود توجه داشته باشند.

توجه به نقشه راه آینده: مشارکت کننده شماره ۱۵: من خیلی دقت داشتم اینکه و چه تصمیماتی می خواهم در آینده بگیرم فکر می کردم.

توجه به خود واقعی: مشارکت کننده شماره ۶: در زندگی دوم من به این حرف رسیدم که افرادی که خود برتر بین هستند و یا خود را ضعیف می بینند ولی در ازدواج دوم به این تعادل رسیدند و زندگی مشترک این تعادل را به وجود می آورد.

راهبردها

راهبردهای مقابله ای کارآمد فردی:

اجتناب از باورهای کلیشه ای: مشارکت کننده شماره ۲۰: باید بتونیم این پس زمینه های ذهنی نادرست را از خودمان دور کنیم مثلاً اینکه نگاه منفی که نسبت به خانم های مطلقه وجود دارد را اصلاح کنیم در واقع بتوانیم یه نوعی نگاه بکنی که با

واقعیت قضیه جور باشد.

آگاهی از شیوه حل مساله: مشارکت‌کننده شماره ۱۹: قبل از ازدواج مشاوره‌ای که داشتیم خیلی اثرگذار بود. در حقیقت به ما یک جدول زندگی دادند و به ما گفتند شما تو زندگی یکسری کمبودهایی را خواهید داشت و راهکارهایی برای حل مشکلات به ما دادند که باید چه جوری این مشکلات را از بین ببریم.

حفظ آرامش و کنترل خشم: مشارکت‌کننده شماره ۲۰: در مواقع مختلف سعی کردم که آرامش خودم را حفظ کنم؛ جایی که نباید عصبانیت ازم سر میزد سعی می‌کردم آرامش خودم را حفظ کنم.

برخورداری از صبر و بردباری: مشارکت‌کننده شماره ۳: در رابطه با زندگی جدید خودم باید بگم که خیلی زیاد نیاز به صبر است.

توکل به خدا در مشکلات: مشارکت‌کننده شماره ۴: حتی در بدترین زندگی. می‌خوام اینو بگم که حتی اگر هزاران مشکل هم داشته باشی وقتی توکلت به خدا باشه، صبر و اخلاقی که خدا بهت بده مطمئناً همش حل میشه.

مثبت نگری: مشارکت‌کننده شماره ۴: اگر زندگی هم مورد اختلافی توش پیدا میشه همیشه از دریچه منفی نگاه نکنند. اولش از دریچه مثبت نگاه کنم.

تمرکز بر زندگی خود: مشارکت‌کننده شماره ۱۲: مسئله خیلی مهم هست اینه که نمیگم خانواده‌ها رو کنار بگذارند اما باید قید کنند مال هم باشند ذهنشون را از همه جا ببرند، حرف این و اون و دخالت خانواده‌ها را کنار بگذارند تا بتوانند به راحتی زندگی کنند.

عبرت از گذشته: مشارکت‌کننده شماره ۲۰: بخصوص صبر کردن را واقعا با خودم تمرین کردم. و این را در واقع موثر می‌دانم در زندگی جدیدم و شاید نقطه ضعفم در زندگی قبلم بود.

مهارت کنکاش نکردن در زندگی گذشته: مشارکت‌کننده شماره ۷: داشتن مهارت کنکاش نکردن در زندگی گذشته، گذشته را پیگیری نکردن، مهم است.

بررسی علت طلاق از منظر همسر فرد مقابل: مشارکت‌کننده شماره ۳: در درجه اول از خانواده خانم و خود خانم تحقیق می‌کنم. به چه دلیل جدا شدید؟
تمام کردن زندگی قبلی: مشارکت‌کننده شماره ۱۹: بنظر من اصلا نباید به گذشته فکر کرد و باید تحقیق کرد و به نتیجه رسید برگشتن به گذشته باعث به وجود آمدن مشکل در زندگی می‌شود.

استفاده از کتاب‌ها و فیلم‌های مشاوره‌ای: مشارکت‌کننده شماره ۱۹: از مطالعه کردن و دیدن فیلم‌های آموزشی، فیلم‌های مشاوره‌ای هم سعی کردم که غافل نباشم.
راهبردهای کارآمد زوجی:

گرایش به مدیریت رابطه: مشارکت‌کننده شماره ۸: هر حرفی هم که میشنیدم سعی می‌کردم واکنش نشان ندهم، ترجیح من این بود که زمان خودش همه چیز را ثابت کند.
ابراز همدردی با همسر: مشارکت‌کننده شماره ۸: سعی می‌کنم اون لحظه‌ای که ناراحت یا عصبانیه باهاش هم عقیده بشم و ابراز همدردی کنم تا متوجه بشه در نقطه‌ی مقابلش قرار ندارم.

مدیریت زوجی مشکلات در ازدواج مجدد: مشارکت‌کننده شماره ۲۰: توانسیتیم تا حدودی این مشکلات را به همراه همدیگر مدیریت کنیم چون همسرم دقیقا مثل مسائل من را داشت.

توجه به فردیت طرف مقابل: مشارکت‌کننده شماره ۶: در بعضی از اوقات ممکن است حرف نزنند یا چیزی نخورند و این دلیل نمی‌شود که با من مشکل داشته باشند و شاید در آن لحظه به من فکر نمی‌کرد و نباید نسبت به هم حساس شوند.

مواجهه منطقی با مسائل: مشارکت‌کننده شماره ۴: من فکر می‌کنم اگر فکر کردن، منطق و این‌ها رو در زندگیم به کار ببرم. اختلافات حل میشود.

همفکری و مشورت با همسر: مشارکت‌کننده شماره ۱۶: در حال حاضر یک زندگی نسبی دارم که در تمام موارد با همسر مشورت می‌کنم

عدم برخورد هیجانی در زمان مشکلات: مشارکت‌کننده شماره ۴: خیلی دیر عصبانی

میشم یا اصلا عصبانی نمیشم.

گفتگو درمورد مسائل: مشارکت‌کننده شماره ۶: زمان‌هایی که مشکلی برایمان پیش می‌آید یا پیش می‌آید، با همسر صحبت می‌کنم تا بتوانیم مشکلاتمان را حل کنیم تا اتفاق خاصی پیش نیاید.

توافق و تفاهم بر سر مسائل: مشارکت‌کننده شماره ۱۹: در مورد خیلی از چیزام که با هم اختلاف نظر داریم سعی می‌کنم از خواسته‌م صرف نظر کنم تا اختلاف جدیدی رو ایجاد نکنم.

درک متقابل: مشارکت‌کننده شماره ۲: مهم این است که دو طرف یکدیگر را درک کنند و وقتی کنار هم هستند از زندگی لذت ببرند

درک کردن شرایط موجود: مشارکت‌کننده شماره ۱۰: در زندگی در هر لحظه و مکان احتمال ایجاد تنش و عدم توافق رفتاری و فکری باعث ایجاد التهاب میشن و من با درک این قضیه سعی در کوتاه اومدن و درک شرایط به وجود آمده می‌نمایم

عدم مقایسه زندگی جدید با قدیم: مشارکت‌کننده شماره ۱۹: نباید می‌گفتم تو چقدر حقوق میگیری من چقدر حقوق می‌گیرم بعدها فهمیدم که این مسائل باعث جدایی بین منو اون می‌شود و دیگر این مسائل رو مطرح نکردم.

مهرورزی و ابراز علاقه مناسب: مشارکت‌کننده شماره ۲۰: مسئله بعدی که واقعا تاثیر گذار بود در شکل‌گیری این زندگی جدید به نحو احسن این بود که خاصیت مهرورزی و بروز و ابراز علاقه را توانستم در خودم نسبت به زندگی اولم کاملا درش تغییر ایجاد کنم.

زندگی عاشقانه با وجود مشکلات: مشارکت‌کننده شماره ۲: تا الان برقرار اولیه باقی ماندیم که اگر مشکلی آمد بقیه جوانب زندگی درگیر نشود و عشق اولیه و مهر و رفاقت و صلح با وجود مشکل ضربه نخورد.

توجه به ارزش‌ها، نیازها و سلیقه همسر: مشارکت‌کننده شماره ۶: مقدار اهمیت دادن به مسائلی که ممکن است برای من خیلی تفاوت‌چندانی نکند اما برای طرف مقابلم در زندگی ممکن است خیلی اهمیت دارد و به سلیقه‌هایی که داره احترام می‌گذارم.

اختصاص وقت برای همدیگر: مشارکت کننده شماره ۲۰: برای زندگی مان وقت می‌گذاریم.

آگاهی از حقوق فردی: مشارکت کننده شماره ۶: خانم و آقا به حق و حقوقشان واقف باشند که طرفین وقتی وارد زندگی شدند نباید حتما خودشان را فرشته نجات بدانند باید آگاهانه و تیز بینانه تصمیم بگیرند.

داشتن اوقات فراغت و تفریح مشترک: مشارکت کننده شماره ۲: با هم به بیرون میرویم و تفریح داریم.

حفظ تعادل رفتاری: مشارکت کننده شماره ۶: بستگی به خود فرد دارد اگر طبیعی رفتار کنیم. وقتی من با همسر و فرزندم بیرون می‌رویم کسی متوجه نمی‌شود که زندگی مجددی را آغاز کردیم یا بچه برای من نیست.

تلاش برای حفظ رابطه در حالت ایده آل: مشارکت کننده شماره ۲: الگوی ارتباطی بین من و همسر به این شکل است از ابتدا با هم قرار گذاشتیم چیزی این ارتباط را دست خوش تغییری نکند.

پذیرش نقاط ضعف و قوت همدیگر: مشارکت کننده شماره ۴: پذیرش ایرادات و نقطه ضعف‌ها و تقویت نقطه مثبت هم و اینکه همسر مو همون جور که بود و هست قبولش کردم.

عدم پنهان کاری: مشارکت کننده شماره ۲: بزرگ‌ترین حساسیت من مخفیانه بودن موارد بود. و دلم نمی‌خواست مخفی کاری‌ها کار دست ما بدهد.

متعهد بودن: مشارکت کننده شماره ۱۹: تعهدی به هم دادیم و بر اساس همان تعهد جلو رفتیم.

توافق بر سر ارتباط با فرزند ناتنی: مشارکت کننده شماره ۸: اوایل از اخلاقیات و علایق و روحیات بچه‌ها گفته شد و این گفته شد که ارتباط با همسر سابق به خاطر بچه چگونه باید باشه و تا چه حد باشه.

راهبردهای مقابله‌ای کارآمد خانوادگی:

ایجاد حد و مرزها با خانواده‌های مبدأ: مشارکت‌کننده شماره ۱۶: یکی از اشتباهات من در زندگی اولم این بود که اجازه دادم خانواده‌ها دخالت کنند ولی سعی کردم در ازدواج دوم کنترل بیشتری بر خود داشته باشم و محترمانه جوری برخورد کنم که خانواده‌ها دخالت نکنند. هنگام اختلافات آروم باشم و با همسرم صحبت کنم.

حل مشکلات بدون مثلث سازی: مشارکت‌کننده شماره ۱۲: در ازدواج دوم توقع نسبت به اطرافیان خیلی کمتر میشه و اینکه اختلافات و چالش‌هایی که بین خودم و همسرم پیش میاد رو سعی می‌کنم بدون واسطه‌ها حل کنم و خودم حل و فصل کنم.

تقسیم وظایف کارهای منزل: مشارکت‌کننده شماره ۲: مطابق با حضور و غیاب ایشان خرید را انجام می‌دهیم اگر باشند با هم خرید می‌کنیم و اگر نباشند با فرزندم مایحتاج را فراهم می‌کنیم.

عدم تقسیم وظایف برحسب جنسیت: مشارکت‌کننده شماره ۶: خانم‌ها یادشان باشد هر کاری مردانه و آقایان هم بدانند هر کاری زنانه نیست و کارها را به دوش هم نیندازند و تقسیم وظایف کنند مشکلی پیش نخواهد آمد.

توجه به نقش‌ها و مسئولیت‌ها: مشارکت‌کننده شماره ۱۲: اما هر چالشی، فکری می‌خواهد، که بتوان با آن مدیریت کرد. مثلاً مسئله‌ای مثل محبت به فرزندان، چه طور باید این محبت را تقسیم کنیم بین فرزندان.

پیامدها

رضایتمندی از زندگی:

رضایت از زندگی و تلاش برای ایجاد زندگی بهتر برای همسر: مشارکت‌کننده شماره ۱۲: الان پیش خودم دوست دارم جوری زندگی کنم و برای همسرم طوری باشم که از همسر سابقش بهتر باشم که هیچوقت به یاد کوچکتین مسائلی که با همسر قبلی‌اش داشته نیوفته.

رضایت از زندگی خانوادگی: مشارکت‌کننده شماره ۴: وقتی بچه‌ی من راحت توی

خونه بود، بااین آقا واقعا راحت بود و به چشم یک پدر واقعی این رو میدید، این برای من میشد یک خواسته ی واقعی زندگیم.

ارتباط زوجی توام با تعهد و احترام:

مدیریت زوجی مشکلات در ازدواج مجدد: مشارکت کننده شماره ۲۰: توانسیتیم تا

حدودی این مشکلات را به همراه همدیگر مدیریت کنیم.

همفکری و مشورت با همسر: مشارکت کننده شماره ۱۶: در حال حاضر یک زندگی

نسبی دارم که در تمام موارد با همسر مشورت میکنم.

ارتباط خوب با خانواده همسر: مشارکت کننده شماره ۸: رابطه من با خانواده همسر

خیلی خوب است.

رفاقت و درک همسر: مشارکت کننده شماره ۲: من و ایشان بعد از ازدواج، بنا بر

انتظاراتی که داشتیم درک متقابلی ایجاد کردیم و الان رفاقت و درک متقابل از هم داریم.

گفتگو در مورد مسائل: مشارکت کننده شماره ۶: صبور بودن و زمان هایی که مشکلی

برایمان پیش می آمد یا پیش می آید، با همسر صحبت می کنم تا بتوانیم مشکلاتمان را

حل کنیم تا اتفاق خاصی پیش نیاید.

فرزندپروری مناسب

همراه و والد خوب: مشارکت کننده شماره ۱۶: خدا روشکر همراه و یآوری که پیدا کردم

که آگاه به مسائل گذشته من و مادر خوبی برای فرزندانم هست

احساس والد واقعی برای فرزندان ناتنی: مشارکت کننده شماره ۶: وقتی بچه ی من توی

خونه بااین آقا واقعا راحت بود و به چشم یک پدر واقعی این رو میدید.

و مشارکت کننده شماره ۲۰: فرزندان خانمم از ازدواج قبلی اش، واقعا مثل فرزند

خودم میدانم. ایشان هم همین حالت را دارند و به نحوی این مسئله و این چالشی که

در زندگیمان به وجود آمد را توانستیم خدا رو شکر با همدیگر مدیریت کنیم.

بعد از استخراج مفاهیم از مصاحبه ها، مقولات اصلی به منزله عوامل کمک کننده

به ایجاد ازدواج رضایتمند حاصل شد که در جدول شماره ۲ و سطرهای فوق تشریح شد و در نهایت پس از انجام کدگذاری محوری، ارتباط این مقولات با یکدیگر در قالب الگوی پارادایمی مبتنی بر نظریه زمینه‌ای شناسایی شد که در شکل ۱ تحت عنوان الگوی پارادایمی ازدواج مجدد رضایتمند نشان داده شده است. لازم به ذکر است که در ادامه فرایند کدگذاری با انجام کدگذاری انتخابی، طبقه یا مقوله‌ی شناخت و حمایت چندسطحی به عنوان طبقه مرکزی شناسایی شد که تمام طبقات فرعی به آن بازمی‌گردد و چارچوبی برای الگوی ارائه شده فراهم آورد. طبقه مرکزی مذکور به برقراری نوعی یکپارچگی در کدها و مقوله‌ها کمک و منجر به ایجاد یکپارچگی در الگوی نهایی شد.



شکل شماره ۱. الگوی پارادایمی ازدواج مجدد رضایتمند

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف ارائه الگوی ازدواج رضایتمند برای زوج‌های دارای ازدواج مجدد انجام گرفت. در ابتدا عوامل مؤثر بر ازدواج رضایتمند از دیدگاه زوج‌هایی که از ازدواج موفق و رضایتمندی برخوردار بودند شناسایی شد. سپس بر اساس این عوامل به آرایه الگوی مفهومی از ازدواج رضایتمند پرداخته شد. با توجه به هدف پژوهش و تحلیل داده‌ها و یافته‌های به دست آمده از این پژوهش مقوله "شناخت و حمایت چندسطحی" بعنوان مقوله مرکزی انتخاب شد. با توجه به اینکه، هیچ یک از مقوله‌های پژوهش به تنهایی نشانگر اصل مطلب نبودند، مقوله مرکزی به صورت انتزاعی از کل مقوله‌ها، خرده مقوله‌ها و دیگر مفاهیم موجود در پژوهش استخراج گردید. این مقوله به گونه‌ای انتخاب شده است که نه تنها همه مقوله‌های عمده و زیر مقوله‌ها را در بر بگیرد، بلکه در یک سطح انتزاعی تر بتواند سیر داستان را توصیف کند. زوج‌ها دارای ازدواج موفق از ابتدا از زمان آشنایی اولیه تاکنون بصورت مستمر و دوسویه در جهت رضایتمندی و تداوم ازدواج مجدد خود تلاش میکنند و این زندگی را همانند سفری می‌پندارند که باید همه موارد را رعایت نمایند تا در این مسیر سخت و پرچالش موفق شوند و بسلامتی در کنار همسر و فرزندان و خانواده از مزایا و خوشی آن لذت ببرند. همچنین تحلیل داده‌ها نشان داد که لازمه ازدواج موفق، داشتن شرایطی می‌باشد که در قسمت یافته‌ها ذکر گردید.

یافته‌های این پژوهش در بخش عواملی زمینه‌ای، مداخله‌گر و علی؛ با یافته‌های برخی پژوهش‌های دیگر، به ویژه پژوهش‌های داخلی که در زمینه ازدواج موفق صورت گرفته مانند یافته‌های درخش و همکاران (۱۳۹۸)، حاتمی و ورزنه و همکاران (۱۳۹۵)، فتحی و همکاران (۱۳۹۵)، منصوری نیا، اعتمادی، فاتحی و حسن پور (۱۳۹۰)، صاحب‌دل و همکاران (۱۳۹۴)، خدادادی سنگده، نظری، احمدی و حسینی، (۱۳۹۳) و کرایسی و همکاران (۱۳۹۵)، استفاده از تجربیات اولیه در زندگی جدید (یکله و همکاران، ۱۳۹۷)، انتظارات واقع بینانه (رضاپور میر صالح، سقاچی فیروزآبادی و امینی، ۱۴۰۰؛ جاودان،

۱۳۹۸؛ کمبل، ۲۰۱۲؛ هیگن بوتام و آدلر بیدر، ۲۰۰۸؛ کولمن و گانونگ، ۲۰۰۰) پذیرش فرزند و ناسازگاری با والد ناتنی (اسماعیلی، ۱۳۹۲، بین ۲۰۱۹؛ پورصالح کچومثقالی، ۱۳۸۹). عوامل اجتماعی (رمضانی و همکاران، ۱۳۹۵؛ رحیمی، ۱۳۹۴)، حمایت خانوادگی (قوی پنجه و همکاران، ۱۳۹۶). همسو و همخوان است.

در تبیین این موارد میتوان عنوان داشت که هر گونه تلاش برای همسرگزینی مناسب و استحکام بخشی روابط همسران و حفظ و صیانت آنها از آسیب‌های احتمالی و به ویژه ناسازگاری زناشویی، مستلزم توجه به مقدماتی است که ازدواج بر مبنای آنها شکل می‌گیرد. این مقدمات شامل عوامل فردی (روان‌شناختی)، بین فردی و اجتماعی است. بر این اساس، معیارها و ملاک‌های فرایند و محتوایی زمینه را برای خودشناسی و دیگر شناسی بهتر زنان و مردان پیش از ازدواج فراهم می‌آورد (مزارعی فرد و هنرپروران، ۱۳۹۶) و نوع انتظارات و باورهایی که نسبت به ازدواج مجدد وجود دارد نیز بر روی کیفیت درک شده ازدواج مجدد اثر میگذارد. برخی از زوج‌ها بر این باورند که تجربه قبلی ازدواج، شرایط ازدواج مجدد را تسهیل می‌کند و برای انتخاب همسر می‌تواند موثر باشد (هیگن بوتام و آدلر بیدر، ۲۰۱۳؛ یکه و همکاران، ۱۳۹۷).

از دیدگاه گاردنر، جیس و پروت^۱ (۲۰۰۴)، به نقل از دانش پور، آسوده، خلیلی، لواسانی و دادرس^۲ (۲۰۱۱) هم ازدواج موفق زمانی حاصل می‌شود که در آن زن و شوهر به ارزش‌ها و اصول‌شان از صمیم قلب احترام می‌گذارند، علایق مشترک دارند، به یکدیگر تعهد دارند، تصمیم گرفته‌اند که تحت هر شرایطی با هم بمانند و با یکدیگر همکاری کنند (گئو^۳، ۲۰۱۱). طبق نتایج پژوهش دهدست (۱۴۰۱) از ملزومات اصلی برای رسیدن به ازدواج موفق داشتن نیازهای مهارتی داخل مسیر شامل همکاری و همیاری، همدلی و در مقابل، گذشت، مدارا، انگیزه، امید، شجاعت و تعهد داشتن است.

1. Gardner, S., Giese, K., & Parrot, S

2. Daneshpour, M., Asoodeh, M. H., Khalil, S., Lavasani, M. G., & Dadras, I.

3. Gau, J

ازسویی دیگر از آنجاکه ازدواج مجدد امری اجتماعی است و در بستر اجتماع تجربه میشود، ساختار فرهنگی هر جامعه، نقش مهمی در تعریف و طرز تلقی افراد از ازدواج دارد و نقش‌های زوجی را تحت تاثیر قرار می‌دهد (هالفورد، مارکمن، و استنلی^۱، ۲۰۰۸؛ یکله و همکاران، ۱۳۹۷). و نگرش منفی جامعه نسبت به فردی که به ازدواج مجدد روی می‌آورد، می‌تواند عامل خودداری وی از وصلت مجدد، علیرغم میل باطنی اش باشد (محمدی و محمدی، ۱۳۹۸). لذا هر چه پذیرش اجتماعی مقوله ازدواج مجدد در کنش متقابل بین افراد (اطرافیان، فرزندان و خانواده‌ها) بیشتر رواج یابد، ازدواج مجدد رضایتمند رضایتمندی شکل خواهد گرفت. از این جهت پذیرش ازدواج مجدد از سمت فرزندان و حمایت خانواده عامل مهمی در ثبات ازدواج‌های مجدد با حضور فرزندان است. (محمدی و محمدی، ۱۳۹۶).

از طرفی در ازدواج‌های رضایتمند و موفق، هر یک از همسران از الگوهای ارتباطی مطلوب بهره می‌برند و بصورت سازنده، مناسب و به دوراز منیت به گفتگو با همسر خود می‌پرداختند. این یافته، با نتایج حاصل از پژوهش جیمز و ویلسون^۲ (۲۰۰۲) همسو می‌باشد که بیان می‌کنند زوج‌های موفق در ابراز خواسته‌ها و احساسات خود به همسرشان موفق عمل می‌کنند و قادرند پیام‌های خود را بدون ابهام و کنایه به یکدیگر منتقل نمایند.

زوج‌ها برای مدیریت چالش‌ها و تعارضات زندگی و پایداری ازدواج مجدد خود از راهبردهای مختلفی استفاده می‌کنند که می‌توان این راهبردها را در سه دسته، طبقه بندی کرد؛ ۱- راهبردهای مقابله‌ای کارآمد فردی ۲- راهبردهای مقابله‌ای کارآمد زوجی ۳- راهبردهای مقابله‌ای کارآمد خانوادگی.

برخی از این مقوله‌هایی که به عنوان راهبرد در نظر گرفته شدند نیز با برخی از

1. Halford, W. K., Markman, H. J., & Stanley, S
2. James, A., & Wilson, K

پژوهش‌های پیشین از جمله (گارنو، آدلر بیدر و هیگین بات^۱، ۲۰۱۳؛ قوی پنجه، علی‌مندگاری و کلاته ساداتی، ۱۳۹۶؛ اشرف گنجوی، ۱۳۹۴؛ کریمی‌ثانی و همکاران؛ اسکوتزکی^۲، ۲۰۱۳؛ یانگ و لانگ^۳، ۱۹۹۸؛ جلالی، مظاهری، کیامنش و احدی، ۱۳۹۶؛ وارد، بارنی، لوندبرگ و زابریسکی^۴؛ ۲۰۱۴؛ امیدیان، رحیمیان بوگر، طالع پسند، نجفی و کاوه، ۱۳۹۷؛ فتحی، اسمعیلی، فرح بخش و دانشپور، ۱۳۹۴؛ بهارلو، ۱۳۸۸ و پاسلی و موره فایلد، ۲۰۰۴) همسو و هم‌راستا هستند. گولیش^۵ (۲۰۱۳) نیز در تحقیق خود بر روی خانواده‌های آمیخته به این نتیجه رسید که خانواده‌های قدرتمند بیشتر از گشودگی، شمولیت و رفتار اصلاحی استفاده می‌کنند اما خانواده‌های ضعیف بیشتر از رفتارهای اجتنابی، فاصله‌گیری و پرخاشگری در روابط خود استفاده می‌کنند. از نظر دیدگاه ساختاری (گورمن، ۲۰۱۲؛ ترجمه امانی و همکاران، ۱۳۹۳) هم، یک زوج سالم مثل هرزبیر منظومه‌ی سالمی مرزهایی برای خود دارند که برای تمایز آنها از محیط اطراف‌شان تعیین شده و در عین حال از نفوذپذیری کافی برای تبادلات انطباقی با محیط اطراف برخوردار است. زوج‌های سالم نه تنها توانایی تحمل تفاوت‌های بین یکدیگر را دارند، بلکه این تفاوت‌ها را تقویت هم می‌کنند. همچنین طبق دیدگاه استرس و بی‌ثباتی؛ تنظیم روابط اعضای خانواده و نظارت بر رفتارهای آنان در صورتی می‌تواند موفقیت‌آمیز باشد که روابطی گرم و صمیمانه بین والدین و فرزندان برقرار باشد، درحالی که خانواده‌های ناتنی ناموفق از این نظر معمولاً در سطح پایین‌تری نسبت به خانواده‌های طبیعی قرار دارند (اسماعیلی، ۱۳۹۲).

باتوجه به گفته‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش ۳ مقوله به عنوان پیامدهای ازدواج مجدد رضایتمند استخراج شدند؛ رضایتمندی از زندگی و ازدواج جدید، ارتباط زوجی

-
1. Garneau, Adler-Baeder, and Higginbotham
 2. Skutezky, R
 3. Young, M., & Long, L.
 4. Ward, P., Barney, K., Lundberg, N., & Zabriskie, R
 5. Golish, T. D

توام با تعهد و احترام و فرزندپروری سالم که در مواردی با یافته‌های پژوهش‌های هاشمی گل مهر و همکاران، ۱۳۹۹؛ حاتمی ورزشه و همکاران، ۱۳۹۵؛ گراندلند^۱، ۲۰۱۶؛ هو، جیانگ و وانگ^۲، ۲۰۱۸) همسو هستند.

باتوجه به اینکه این زوج‌ها در زمان انتخاب همسر بخوبی ملاک‌ها و مراحل همسرگزینی را طی کرده بودند و شناخت مناسبی از خود و ویژگی‌های شخصیتی و رفتارهای همسر خود بدست آورده بوده اند. از همان ابتدای زندگی زناشویی جدید تلاش می‌کردند که تفاوت‌های شخصیتی یکدیگر را بپذیرند، بدون آن‌که سعی در تغییر دادن دیگری داشته باشند. و در بعد زوجی، زوج‌ها بیان داشتند که رابطه‌ای توأم با احترام، قدردانی، تعهد و اعتماد دارند و همیشه برای رسیدگی به تعارضات زوجی خود با صبر و حوصله به بحث و گفتگو می‌پرداختند تا به یک تصویر روشن و دقیق از تعارضات‌شان دست یابند. همچنین، زوج‌ها برای کاهش تعارضات زوجی خود، در زمان‌های بدون تعارض به مراقبت از رابطه زوجی می‌پرداختند. آن‌ها مرزهایی را برای رابطه زوجی خود ایجاد کرده بودند که در آن رابطه هیچ چیزی محرمانه و خصوصی نبود. بعنوان مثال برای وسایل ارتباطی خود از جمله تلفن همراه، رمز ورود تعریف نمی‌کردند مگر اینکه همسر نیز از این رمز اطلاع داشته باشد. که این موارد نشان از اعتماد و تعهد دوجانبه و تلاش برای زندگی پایدار است. همچنین برای مراقبت از رابطه زوجی خود، همه چیز را برای همسر صادقانه شفاف‌سازی می‌کردند.

زوج‌های شرکت‌کننده در پژوهش نیازها و خواسته‌های خود را آشکار می‌ساختند، احساسات مثبت و منفی خود را نسبت به همسر ابراز کرده و در مورد آن‌چه که در جریان بود و به نحوی به رابطه زوجی مربوط می‌شد، حرف می‌زدند. برای عشق و دوست داشتن که پیامد همراهی با همسر است به نوبه خود زمینه را برای یک ازدواج موفق و پایدار فراهم می‌آورد. عشق و دوست داشتن می‌تواند قبل و یا بعد از ازدواج شکل بگیرد، ولی آنچه که

1. Grundland, D

2. Hou, Y., Jiang, F., & Wang, F

مشهود بود شکل‌گیری عشق و دوست داشتن در نتیجه همراهی با همسر و بر مبنای تعاملات زوجی بوده است. و پیامد دیگری که برای زوج‌ها حاصل می‌شد محقق ساختن اهداف زوجی مشترک بود که این اهداف مربوط به فرزندان و امور مالی می‌شد و هرچقدر از از رابطه زوجی و تحقق بخشیدن به اهداف زوجی مشترک، میگذشت، رضایتمندی از زندگی زوجی هم بالاتر می‌گشت. همچنین در بعد خانوادگی آنها دارای ارتباط مناسب با خانواده مبدا هستند که در عین اینکه مشورت‌های آنها استفاده می‌کنند، اجازه دخالت به آنها را هم نمیدهند.

درمقام مقایسه نتایج کلی این پژوهش بعنوان تنها پژوهش داخلی این زمینه با پژوهش خارجی می‌توان عنوان داشت که یافته‌های این پژوهش در برخی مقوله‌ها و محورها شباهت‌هایی دارد و در برخی از این موارد تفاوت‌هایی دیده می‌شود. بعنوان مثال در هردو این پژوهش‌ها تأثیرات و آسیب‌های زندگی قبلی، تأثیر همسر سابق، تأثیرات و چالش‌های فرزندان با والد جدید، و برخی از عوامل روان‌شناختی و شخصیتی مثل صداقت و مدارا و صبوری کردن (فاکس و شاینر، ۲۰۱۴)، بعنوان عوامل موثر در شکل‌گیری در ازدواج مجدد رضایتمند ذکر شده است. ولی طبق یافته‌های این پژوهش برخلاف پژوهش‌های خارجی، به عوامل اجتماعی مانند درک اجتماعی،

در پایان می‌توان نتیجه گرفت که ایجاد یک ازدواج رضایتمند در گرو انتخاب آگاهانه و شناخت عمیق از یکدیگر و صداقت و شفاف‌سازی درمورد موضوعات زندگی سابق و رابطه زوجی فعلی و درنهایت حمایت خانواده، جامعه و فرزندان زندگی اول در جهت ایجاد زندگی رضایتمند است. این موارد باعث می‌شود که زوج‌ها به تعارضات زوجی خود رسیدگی نمایند، احساس آرامش داشته باشند و از رابطه زوجی خود رضایت داشته باشند. و فرزندان سالمی را تربیت نمایند.

این پژوهش جزئی از رساله دکتری در زمینه مشاوره بوده است که تایج حاصل از پژوهش حاضر به دلیل بومی بودن و استفاده از رویکردی کیفی، قابلیت تعمیم‌پذیری و

جامعیت استفاده کمتری دارد. این مطالعه به وسیله توصیف تجربه مشارکت کنندگان هدفمندی که در بافت فرهنگی استان تهران و بافت رابطه‌ای (ازدواج‌های مجدد) قرار داشته‌اند، محدود شده است. بنابراین، تمرکز پژوهش حاضر بر نمونه‌ای خاص و بافتی خاص بوده است. پیشنهاد می‌شود این پژوهش در بافت‌های دیگر و فرهنگ‌های دیگر کشورمان و با نمونه‌های دیگر تکرار شود. واز الگوی ارایه شده در قالب یک برنامه مشاوره‌ای و آموزشی و تعیین اثربخشی آن بر کیفیت رابطه زوجی انتخاب همسر مناسب و بهره‌برند. همچنین می‌توان برای تهیه و ساخت مقیاس ازدواج مجدد رضایتمند بر اساس مؤلفه‌های به دست آمده از این پژوهش اقدام نمود.

ملاحظات اخلاقی: مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری مشاوره دانشگاه هرمزگان با ثبت کد اخلاق IR.HUMS.REC.1400.308 در دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان می‌باشد و کلیه مشارکت‌کنندگان رضایت شفاهی خود را جهت شرکت در پژوهش اعلام کرده و اطمینان لازم در مورد محرمانگی اطلاعات به آنها داده شده است.

تضاد منافع: در انجام پژوهش حاضر نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافی نداشته‌اند.

سهم نویسندگان: نویسنده اول بعنوان دانشجو و پژوهشگر اصلی و نویسندگان دوم، سوم و چهارم، بعنوان اساتید راهنما و مشاور همکاری نموده‌اند و مسئولیت دقت و صحت مطالب مندرج در آن را می‌پذیرند.

تشکر و قدردانی: از مشارکت‌کنندگان در این پژوهش و مرکز مشاوره فرح بخش و تمامی کسانی که به نحوی در انجام این پژوهش ما را یاری رساندند، نهایت تشکر و قدردانی را می‌نماییم.

منابع

- اختیاری امیری، ر؛ فرحبخش، ک؛ کلانتر هرمزی، آو سلیمی بجستانی، ح. (۱۳۹۷). تدوین و ارائه الگوی مطلوب مشاوره پیش از ازدواج مبتنی بر فرهنگ اسلامی ایرانی. نشریه پوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی پایش. ۱۳۹۷؛ ۱۷ (۴): ۴۳۱-۴۴۲.
- استراوس، آو کربین، ج. (۱۹۸۶). مبانی پژوهش کیفی. ترجمه: ابراهیم افشار (۱۳۹۰). تهران: انتشارات نشر نی.

- اسماعیلی، م. (۱۳۹۲). مشکلات ازدواج مجدد پس از طلاق یا فوت همسر، قزوین: روزنامه ولایت قزوین، ۸: ۱۲۳.
- امیدیان، م؛ رحیمیان بوگر، الف؛ طالع پسند، س؛ نجفی، م و کاوه، م. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش غنی سازی سازگاری زوج‌ها در بهبود ارتباطات زناشویی. مجله پژوهش‌های مشاوره، ۱۷(۶۷): ۴۰-۲۰.
- بازرگان، ع. (۱۳۹۸). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته. تهران: آگه. چاپ دهم.
- بهارلو، غ. (۱۳۸۸). رابطه‌ی بین عملکرد ازدواج با سازگاری زناشویی و مقایسه آنها در بین اقوام فارس، بختیاری و کُرد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان.
- پورصالح کچومثقالی، ع. (۱۳۸۹). مقایسه سلامت عمومی و پیشرفت تحصیلی فرزندان پسری که والدینشان ازدواج مجدد کرده‌اند با خانواده‌های عادی و تک‌والدینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علم و فرهنگ تهران.
- توسلی، غ س. (۱۳۸۸). نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت، چاپ ۱۵.
- جاودان، م. (۱۳۹۸). رابطه علی سلامت روان، سبک زندگی، مهارت‌های زندگی و کیفیت زندگی زناشویی با میانجی‌گری باورهای ارتباطی، بخشودگی و انتظارات قبل از ازدواج. روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی. ۱۰(۳۶): ۸۷-۱۱۱.
- جلالی شاهکوه، س؛ مظاهری، م ع؛ کیامنش، ع ر؛ و احدی، ح. (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش غنی سازی زندگی زناشویی بر اساس رویکرد هیجان‌مدار بر بهبود الگوهای ارتباطی زوج‌ها. مجله پژوهش‌های مشاوره، ۱۸(۶۹): ۷۸-۵۹.
- حاتمی ورزنده، الف؛ اسمعیلی، م؛ فرحبخش، ک و برجعلی، الف. (۱۳۹۵). بررسی مقایسه‌ای ازدواج‌های پایدار رضایتمند و ازدواج‌های در حال جدایی (مطالعه کیفی). فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده. ۴(۳): ۱۲۴-۱۵۶.
- خدادادی‌سنگده، ج؛ نظری، ع؛ احمدی، خ و حسنی، ج (۱۳۹۳). شناسایی شاخص‌های ازدواج موفق: مطالعه‌ای کیفی و اکتشافی. فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، مشارکت‌کننده شماره ۲۵، ۲۳-۹. خشنود، ق؛ رجبی، غ ر؛ سودانی، م و خجسته مهر، ر. (۱۳۹۸). اثربخشی زوج‌درمانی مبتنی بر بازسازی عاطفی بر ترس از صمیمیت، اعتماد در روابط نزدیک و رضایت زناشویی در زوجین با ازدواج مجدد با تجربه طلاق: یک مطالعه موردی. رساله دکتری تخصصی مشاوره. دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- درخش، ع؛ اصلانی، خ؛ وکرای، الف. (۱۳۹۸). تدوین الگوی ازدواج موفق: یک پژوهش کیفی. پژوهشنامه زنان. ۱۰(۱): ۲۷-۱.
- دلیلگو، س؛ وحید، ف؛ مهاجرانی، ع و اسماعیلی، ر. (۱۳۹۵). کاهش رغبت به ازدواج مجدد (مطالعه موردی: زنان سرپرست خانوار شهر اصفهان). مسائل اجتماعی ایران. ۱(۱): ۳۱-۵۲.
- دهدست، ک. (۱۴۰۱). استعاره‌های جوانان ایرانی از ازدواج مبتنی بر نظریه استعاره شناختی. پژوهش‌های مشاوره. ۱۴۰۱؛ ۲۱(۸۱): ۳۸-۵.
- رحیمی، ع. (۱۳۹۴). بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر گرایش به ازدواج مجدد زنان سرپرست خانوار

- تحت پوشش کمیته امداد استان فارس، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یاسوج.
- رضائی، ف؛ بهمنی، ب؛ ازخوش، م؛ و دادخواه، ا. (۱۳۹۵). شناسایی عوامل موثر بر کیفیت زناشویی در ازدواج مجدد، پس از طلاق: یک مطالعه کیفی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی.
- زارعی، ف؛ غلامه، س. (۱۳۹۸). مقایسه میزان خودمختاری، تسلط بر محیط، رشد شخصی و روابط مثبت با دیگران در دانش آموزان پسر و دختر پایه ششم بخش شبیکوه. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر لنگه، گروه روان شناسی.
- سازمان ثبت احوال ایران. <https://www.sabteahval.ir>.
- صاحبدل، ح؛ زهراکار، ک و دلاور، ع. (۱۳۹۴). شناسایی شاخص های ازدواج موفق (یک مطالعه کیفی). پژوهش های روان شناسی بالینی و مشاوره. ۵، (۲). ۳۲-۴۶.
- صادقی، م؛ بهرامی، ف؛ و اسماعیلی، ر. (۱۳۹۸). تدوین مدل بومی عوامل فرهنگی بازدارنده ازدواج مجدد زنان سرپرست خانوار زیر پوشش کمیته امداد کشور ایران در سال ۱۳۹۵. پژوهش نامه زنان. سال ۱۸، مشارکت کننده شماره ۷۰، ۸۷-۶۷.
- فتحی، الف؛ اسمعیلی، م؛ فرحبخش، ک و دانشپور، م. (۱۳۹۵). ارائه مدل ازدواج رضایتمند در فرهنگ ایرانی: یک مطالعه نظریه زمینه ای. فصلنامه پژوهش در سلامت روان شناختی. ۱۰، (۲): ۱۰-۲۶.
- کرایبی، ا؛ خجسته مهر، ر؛ سودانی، م؛ و اصلانی، خ. (۱۳۹۵). شناسایی عوامل مؤثر در ازدواجهای پایدار رضایتمند در زنان، مشاوره و روانی درمانی خانواده، ۶، ۱۶۴-۱۲۹.
- کریمی ثانی، پ؛ اسمعیلی، م؛ فلسفی نژاد، م؛ شفیع آبادی، ع و فرحبخش، ک. (۱۳۸۹). تدوین محتوای مشاوره قبل از ازدواج بر مبنای شناسایی عوامل و مهارت های معنوی و اخلاقی پیش بینی کننده ازدواج موفق در بین زوج های تبریز. مجله زن و خانواده. دوره ۲. شماره ۷. ۱۳۲-۱۲۱.
- گاتمن، ج و سیلور، ن. (۱۹۹۹). هفت اصل اخلاقی برای موفقیت در ازدواج. ترجمه: مهدی قراچه داغی (۱۳۹۶). تهران: نشر آسیم.
- گاتمن، ج. (۱۹۹۵). چرا ازدواج موفق؟ چرا ازدواج ناموفق؟ ترجمه: مهرداد فیروز بخت (۱۳۷۷). تهران: انتشارات ابجد.
- گلاسر، و. (۲۰۰۷). ازدواج بدون شکست. ترجمه: علی صاحبی (۱۳۹۱). تهران: انتشارات سایه سخن.
- گلدنبرگ، آ. و گلدنبرگ، ه. (۱۳۹۷). خانواده درمانی، ترجمه مهرداد فیروز بخت، تهران: رسا.
- گورمن، آلن. اس (۲۰۱۲). راهنمای بالینی زوج درمانی. ترجمه: رزیتا امانی، محمدرضا مجدوبی، صالح سپهری فر. (۱۳۹۳). همدان: مرکز نشر دانشگاه بوعلی سینا.
- محمدی، ر؛ و محمدی، ز. (۱۳۹۸). چالش های ازدواج مجدد زنان با حضور فرزند: پژوهشی کیفی. مجله زن در توسعه و سیاست. ۱۷، (۱). ۹۷-۱۱۹.
- ملکی، ح. (۱۳۹۵). مشاوره ازدواج مجدد. تهران: انتشارات آوای نور. چاپ اول.
- منصوری نیا، آ؛ اعتمادی، ع؛ فاتحی زاده، م و حسن پور، ا. (۱۳۹۰). بررسی تاثیر آموزش پیش از ازدواج بر میزان

رضایت زناشویی همسران شهر اصفهان. یافته‌های نو در روان‌شناسی، ۶۵-۷۶.
 هاشمی گل مهر، م، امان الهی، ع؛ فرهادی، ح؛ اصلانی، خ؛ رجبی، غ. ر. (۱۳۹۹). ارزیابی الگوی ازدواج موفق: یک پژوهش کیفی. پژوهش‌های مشاوره، ۱۹: (۷۶): ۱۷۱-۱۴۱
 یکله، م؛ محسن زاده، ف؛ و زهراکار، ک. (۱۳۹۷). مطالعه کیفیت ازدواج مجدد پس از طلاق رویکرد داده بنیاد. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۷: (۳): ۳۱-۱۷.

- Adler-Baeder, F., & Higginbotham, B. (2004). Implications of remarriage and stepfamily formation for marriage education. *Family Relations*, 53(5), 448-458.
- Baxter, L. A., Braithwaite, D. O., Bryant, L., & Wagner, A. (2006). Stepchildren's perceptions of the contradictions in communication with stepparents. *Journal of social and personal relationships*, 21(4), PP 447-467.
- Bean, R. C. (2019). Relationship Maintenance Behaviors and Marital Stability in Remarriage: The Examination of Stepfamily Constellations and Associated Challenges.
- Bernstein, A. C. (2000). Remarriage: redesigning couplehood. *Couples on the fault line: New directions for therapists*, 284-311.
- Biblarz, T. J., & Raftery, A. E. (1999). Family structure, educational attainment, and socioeconomic success: Rethinking the "pathology of matriarchy". *American Journal of Sociology*, 105(2), PP 321-365.
- Carroll, J. S., & Doherty, W. J. (2003). Evaluating the effectiveness of premarital prevention programs: A meta-analytic review of outcome research. *Family relations*, 52(2), 105-118.
- Crowley, J. E. (2018). *Gray divorce: What we lose and gain from mid-life splits*. Univ of California Press.
- Crowley, J. E. (2019). Once Bitten, Twice Shy? Gender Differences in the Remarriage Decision after a Gray Divorce. *Sociological Inquiry*, 89(1), 150-176.
- Dion, M. R. (2005). Healthy marriage programs: Learning what works. *The future of children*, 139-156.
- Dupre, M. E., & Meadows, S. O. (2007). Disaggregating the effects of marital trajectories on health. *Journal of Family Issues*, 28(5), 623-652.
- Felker, J. A. Fromme, D. K., Arnaut, G. L., & Stoll, B. M. (2006). A qualitative analysis of stepfamilies: The stepparent. *Journal of Divorce & Remarriage*, 38 (1-2), PP 125-142.
- Ganong, L. H., & Coleman, M. (2004). *Stepfamily relationships: Development, dynamics, and interventions*. New York, NY, US.
- Ganong, L. H., Coleman, M., & Jamison, T. (2011). Patterns of stepchild-stepparent relationship development. *Journal of Marriage and Family*, 73(2), PP 396-413.
- Garneau, C. L., Adler-Baeder, F., & Higginbotham, B. (2016). Validating the remarriage belief inventory as a dyadic measure for stepcouples. *Journal of family issues*, 37(1), 132-150.
- Golish, T. D. (2003). Stepfamily communication strengths. *Human Communication Research*, 29(1), PP 41-80.

- Gottman, J. S., & Gottman, J. M. (2015). *10 Principles for Doing Effective Couples Therapy* (Norton Series on Interpersonal Neurobiology). WW Norton & Company.
- Grundland, D. (2016). *The lived experience of long-term happily married heterosexual individuals*. San Diego. In partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of psychology.
- Halford, W. K., Markman, H. J., & Stanley, S. (2008). Strengthening couples' relationships with education: Social policy and public health perspectives. *Journal of Family Psychology*, 22(4), 497–505.
- Hou, Y., Jiang, F., & Wang, F. (2018). Marital commitment, communication and marital satisfaction: An analysis based on actor–partner interdependence mode. *International Journal of psychology*. 54(3), 369-376.
- Hu, Y. (2020). Marital Disruption, Remarriage and Child Well-being in China. *Journal of Family Issues*, 0192513X20917779.
- Hughes, M. E., & Waite, L. J. (2009). Marital biography and health at mid-life. *Journal of health and social behavior*, 50(3), 344-358.
- James AL, Wilson K.(2002). *Couples, conflict and change*. Taylor & Francis e-Library.
- Kaslow, F. & Robison, J. A. (1996). Long-term satisfying marriages: Perceptions of contributing factors. *The American Journal of Family Therapy*: 24(2): 153-168.
- Laxman, D. J., Higginbotham, B. J., MacArthur, S. S., & Plummer Lee, C. (2019). A test of the family stress model using a remarriage sample. *Journal of Divorce & Remarriage*, 60(7), 518-536.
- Limeira, M. I. C. D. A., & Féres-Carneiro, T. (2019). Reconciliation in Remarriage to an Ex-Spouse: Individual Changes. *Journal of Divorce & Remarriage*, 60(8), 612-629.
- Lyster, R. F., Russell, M., & Hiebert, J. (1996). Preparation for remarriage: Consumers' views. *Journal of Divorce & Remarriage*, 24(3-4), 143-158.
- McGeorge, C. R., & Carlson, T. S. (2006). Premarital education: An assessment of program efficacy. *Contemporary Family Therapy*, 28(1), 165-190.
- O'Flaherty, K. M., & Eells, L. W. (1994). The development of remarriage-preparation programs. *Journal of divorce & remarriage*, 20(1-2), 229-245.
- Rizvi, S. L., & Nock, M. K. (2008). Single-case experimental designs for the evaluation of treatments for self-injurious and suicidal behaviors. *Suicide and life-threatening behavior*, 38(5), 498-510.
- Sagesse, W. (2018). Relationships between premarital counseling, religiosity, and marital satisfaction (Doctoral dissertation, Grand Canyon University).
- Skutezky, R. E. (2013). What helps and hinders a successful marriage: categories and reflections on defining successful marriage. *The Adler school of professional psychology*.
- Stanley, S. M., Amato, P. R., Johnson, C. A., & Markman, H. J. (2006). Premarital education, marital quality, and marital stability: Findings from a large, random household survey. *Journal of family psychology*, 20(1), 117.
- Stokes, S. B. and Wampler, R. S. 2002. Remarried Clients Seeking Marital Therapy as Compared to Those Seeking Family Therapy: Differences in Levels of

- Psychological and Marital Distress. *Journal of Divorce & Remarriage*, 38(1/2): 91-106.
- Sweeney, M. M. (2010). Remarriage and stepfamilies: Strategic sites for family scholarship in the 21st century. *Journal of marriage and family*, 72(3), 667-684.
- Visher, E. B., Visher, J. S., & Pasley, K. (2003). Remarriage families and stepparenting. *Normal family processes: Growing diversity and complexity*, 3, 153-175.
- Ward, P. J., Barney, K. W., Lundberg, N. R., & Zabriskie, R. B. (2014). A Critical Examination of Couple Leisure and the Application of the Core and Balance Mode. *Journal of Leisure Research*, 2014, Vol. 46, No. 5, 593-611
- Weibling, J. M. (2001). Reconciling Matthew and Mark on divorce. *Trinity journal*, 22(2), 219.
- Young, M. E. & Long, L. (1998). *Counseling and therapy for couple*. Brooks/Cole Publishing Company.

